

و خواست خداوند چه باشد - از اردوی دولتی  
قطر دو نفر از مجاهدین ارواحه زخمی است ، جناب  
آقای شهاب‌السلطنه سنگر شان از سنگرها دور است  
و بحمدالله سلامت است والان هم هر کدام بسنگر  
های خودمان خواهیم رفت فعلا مشغول تزیین  
فردا هستیم تا خواست خداوندی چه باشد . ۸ جوزا  
محمدقی بختیاری - گری - یارمحمد کرمانشاهی  
( ایضاً )

اردوی دولتی مقدما وارد صحنه شده و مصادف  
میشود باینکه عدده از سوارهای سالارالدوله شروع  
بجنگ نموده اشرا را شکست سخت داده یکصد  
نفر از اشرا را مقتول گردید و فرار را بفرار  
اختیار کرده بطرف بیستون میگریزند . و برای  
فردا اردو بطرف کرمانشاه حرکت خواهد کرد  
که بکلی اشرا را قلع و قمع نماید ، سالارالدوله که  
با اختلاف شنیده میشد مرده است بالاخره معلوم  
شد در داککا حوالی کرمانشاه مقیم و در صدد  
فرارست و عن قریب مزده قلع و قمع مفسدین  
بهرض خواهد رسید

( ایضاً )

الآن اسمعیل خان نام کرمانشاهان از کرمانشاه  
آمده اظهار مینماید که حضرت والا فرمانفرما وارد  
کرمانشاه شدند اهالی شهر با کمال اطاعت استقبال  
کردند سالارالدوله با داؤد خان بسمت کلهر فرار  
کردند در دو فرسخی کرمانشاه داؤد خان بهان دو  
زخم گلوله که یکی بر اثر و دیگری به کفش خورده  
بود مرده و مالی خلاص شدند ایلخانی کلهر با  
باقرخان کاکاوند هم فرارا به هر سین رفتند مجاهدین  
غیور و عدده از سواران بختیاری رشید با توپ  
رفتند هر سین دور آنها را محاصره کرده‌اند و  
مشغول جنگ هستند که آنها را بشکند بادستگیربایند  
۱۲ جوزا ( اسداق )

( ایضاً )

باکتی از شاهزاده فرمانفرما بساری اسلان  
رسید که بسلامت اردوی منصور وارد کرمانشاهان  
شد ، اهالی شهر کمال تشکر را از ورود اردوی  
دولتی و حصول امنیت دارند سالارالدوله و داؤد  
خان و سوارهای کلهر بخانه داؤدخان رفته‌اند  
داؤدخانهم بطور حتم دو زخم دارد - ( اسداق )

مجال درنگ بانها نداده فرارا بکرمانشاهان رفتند ،  
از قرار خبر صحیح خط راه خروج از شهر  
را گرفته بخپال کلهر گریخته اند و انری از آنها  
در حوالی کرمانشاهان پیدا نیست ، اردوی دولتی  
باقبال بلند اولیای امور مظفر و منصور امشب را  
در بیستون و فردای ( ۱۲ ) جادی الثانیه را برای  
شهر حرکت خواهند کرد و بخواست خداوند  
کار یکسره میشود ، عدده مقتولین و مجروحین از  
طرف اشرا بی نهایت از رؤساء آنها خود  
داؤد خان دوزخ کاری دارد - علی اکبر پسر او و  
خالوش و چهار نفر دیگر کشته شده اند ، با اینکه  
سه هزار نفر جمعیت آنها بوده چنان شکستی خوردند  
که هیچ تار پنی مثل آن نشان نمی دهد ، از اردوی  
دولتی چهار نفر از مجاهدین زخمی و یک نفر  
کشته شده علی خان همه و راه خدای شها رونده و  
حسین موزرمونی از بختیاری مجروح و آقا اسد  
الوند کشته ، یارمحمد خان کرمانشاهانی شهاده در  
این جنگ منتهای رشادت و جوان مردی را بخرج  
داده مستوجب کمال مرحمت است شب ۱۲ جادی الثانیه  
( قی ) ( سلطانعلی ) ( بختیاری ) ( کریمی )

( ایضاً )

- خدمت حضرت مستطاب اجل امجد  
اکرم افخم آقای سردار اسعد دامت شوکته ،  
الان که سه ساعت از شب دوازدهم جادی الاخر  
میگذرد این تلگراف را بنندگان ضیاءالسلطان و مسیو  
گری خان و یارمحمد خان از سنگرهای اطراف  
صحنه عرض میکنند - امروز یازدهم از کنتکاور  
بطرف صحنه حرکت کردیم و شیانه فرستاده صحنه  
را بنصرف در آوردیم ، حضرات کلهر و اعوان  
سالارالدوله هم بزم تصرف صحنه آمده بودند از  
بج بروب مانده جنگ شروع شد و آنها را  
عقب نشانیده بطرف چچال و سره‌های آنها جا  
رفته اند سنگرها را گرفتیم و تلفات زیادی هم دادند -  
ما که کری خان و ضیاءالسلطان و یارمحمد خان  
هستم تصدیق میکنم که حضرت اشرف والا فرمان  
فرما سنگرهای خوب محل توجه طرف مقابل را  
گرفته و نهایت جلالت را نمودند که موجب  
تشکر و امتنان همه ماها است ، بحاله این قدر  
واقعات امروزه بود که هر ض شد تا فردا چه شود

( ایضاً )

خدمت حضرت مستطاب اشرف آقای مصمم السلطنه رئیس الوزرا دامت شوکبه . امروز دوازدهم از صحنه حرکت کردیم بختیارها از دست راست مجاهدین از وسط سوارهای من از دست چپ رو بدشمن حرکت کردند . جمعیت دشمن کلتاً به هزار بالغ بود داؤدخان باروسا کلهر و دو هزار سوار بودند ، فتح الایله باسوارهای متفرقه کرمانشاهان و شیخ علاءالدین کردستانی قریب هزار نفر میشدند جلو آمده قدری جنگ کرده در جلو ما خود داری کردند ، ولی بعد مجاهدین ارمانه از وسط که سنگر خیلی سخت بود آنها را باکال جلادت گرفتند ، از طرف راست هم سواران بختیاری زور آوردند ، از جلو برداشته شدند همه جا بگیر بگیر بکن بکن آنها را آوردیم از کوه و تپه های صحنه سرازیر کردیم ، بختیاری ها آنها را با نهایت رشادت و جلادت دنبال کرده همینطور تا نزدیکی کوه کوند که دو فرسخی صحنه است علی اکبر خان پسر داؤدخان کشته شد اینها خیلی سخت شکست خورده . فرار کردند ، بعد که از عقب آمدیم دیگر اسب و سوارها از زحمت جنگ دیروز و امروز وامانده و خسته بودند ، شهاب السلطنه با یک عده سوار بلاعت تا بیستون دنبال کرده دیشب همه اردو در بیستون مجتمع بودیم ، از تحقیقاتی که از رعیت و راه گذرها شده معلوم میشود خود داؤدخان هم زخمی شده و شش هفت نفر از رؤساء و عده از سوارهای کلهر مقتول شده اند که هنوز عده آن ها از روی صحت معلوم نیست .

امروز پنجشنبه سیزدهم بخیال این که جنگی خواهیم داشت اردو را منظمأ بطرف شهر حرکت دادیم ، حالاً بجای آباد رسیده خبر رسید سالارالدوله همینکه سوارهایش شکست خورده بشهر مراجعت کرده اند بامان سوارها بطرف مای دشت فرار کرده اند تا این سفر جنگ بختیاری ها را ندیده بودم ، الحق از روی کمال نظام و تدبیر جنگ میکنند و شایان همه قسم تمجید هستند ، تصور فرمائید که بنده و سوارهایم در عقب ها راحت میکنیم ، در همه جا در گلوله رس با آنها هستیم و پرروز در صحنه که غفلتاً داؤدخان به سرما ریخت حضرات خوانین

بصحنه وارد شده و راحت کرده بودند اتفاقاً من پیاده نشده بودم فوراً بانام سوارهایم تمام کوههای بالا دست را گرفتیم که گری خان و خوانین خیلی اظهار امتنان کردند ، بعد بختیاری و مجاهدین باطمینان قلب از ده خارج شده مشغول جنگ شدند و آنان دشمن را تعاقب کردند همینکه دستشان از کوهها و سنگرها کوتاه شد در جلوه بختیاری افتادند ، بختیاری ها با دازه بامزه جنگ کردند که چنین جنگ کم اتفاق افتاده در همان جنگ هم ده بیست نفر از آن ها کشته شد ( فرما فرما )

( فتح کرمانشاهان )

تاریخ شب ۱۰ جوزا از قرار مراسم که از مؤید دیوان پسر ناصر دیوالا بجاگر رسیده دیروز یازدهم جمادی الاخر اردو وارد بیستون و امروز دوازدهم با کمال شوکت و اقبال وارد کرمانشاهان شده اند غلامسلی تلگراف خانه بار دو تلگراف برده اند آنها هم می آیند تفصیل را منصلاً عرض میکنند ( جاکر اسداقه )

﴿ کرمان ﴾

پس از شکست افشار و بجاچی و فرار آنها وزارت اعلی باغین ، حضرت والا امیراعظم اردوئی متجاوز از هزار نفر سوار و تفنگچی و دو عراده توپ مهیا فرموده تعاقب حضرات رفت - افشار ها میرزا حسین خاں بهادور السلطنه و میرزا قاسم رفت نظام را که مصدر تمام این مناسد بود گرفته و تمام اسلحه و تفنگ آنها و جمعیت بلوچ و ماشیری را تصرف کرده اراده داشتند که خدمت امیراعظم فرستاده اسباب صلح و صلاح و فوز و فلاح آنها باشد لاکن حضرات بجاچی مانع شده آنها را از دست افشار گرفته می برد در ایلات خود و کوه بلورد که مان خود قرار داده اند

عبدالمظفر خان سرتیب نیز که با آنها هم عهد بود خدمت ایالت آمده تا مین یافته مجدداً با محمد خان سرتیب برای تامین غنچهلی خان ایلعان افشار و آوردن مشارالیه نزد حکومت رفته زیرا که غنچهلی خان خیلی شخص دانای مجرب مقولی است رفت نظام و میرزا حسین خان اورا اغوی نموده

حرکت دادند - حاصل آنکه تمام همراهان رفعت نظام متفرق شده فقط حضرات بجاقبی هنوز از غریبی که دارند سر پاداعت نیاورده لا محاله امیر اعظم بسرکوبی ایشان خواهد رفت - آنچه یقین پیوسته اغلب اموال اهالی که بسرقت رفته آنها برده اند - حاصل آنکه بحمدالله شهر کرمان از شر آنها محفوظ ماند و الا قشون انگلیس تاکنون وارد شده بود - چند نفری نیز که از اهالی شهر بدعوت حضرات در اردوی آنها رفته بودند ایالت همه را گرفتار - تبیه فرمود

عجائیب مرگه در خیال تهیه سار بلوچستان مانند تا هنگام موسم که ایستپائیز باشد ممکن است که استداد کافی فراهم آید

حضرت والا امیر اعظم برای اردو کشی الحاق خیلی شایسته و امتحان کافی در این واقعه داده - هر قدر از نیرو و رشادت و جلالت و کسالت ایشان تمجید نمایند جا دارد، با نهایت جد و سکون و تدبیر و جرئت ایلات را از هم متفرق فرموده الحاق قونسل انگلیس نیز در این مقدمه و همراهی با حضرت والا خیلی سعی نموده و حکومت ایشان را که متزلزل بود و خیال عزل ایشان را از مرکز داشتند مستقل نمود و اگر ایشان را در این موقع مزول نموده بودند کرمان تمام بضارت افشار و بجاقبی میرفت -

چیزی که هست این انقلاب باعث تخریب عرب و پارلو شده راهها را مجدد از امنیت انداختند شر زیادی در راه یزد و رفسنجان برده اند خوب است امنای دولت خیالی برای فارس نمایند که تمام خرابی خطه جنوب از فارس است قاطبه رعیت را مملکت مبتلا نموده هنوز هم دست نمیکشند -

### بندر عباس

در شماره سوم از سال بیستم روزنامه مقدسه جبل النین تحت عنوان حقیقت حال عباسی مرقوم بود روسای دوایر دواتی از کارگذاری و تلگراف خانه و پست خانه هم با آنها یا به بول مصباح دیوان همراهی داشته و حکومت جدید را بحکومت نشناختند در اینورد جناب میرزا حسنعلیخان رئیس پستخانه بندر عباس معترض است و این که چند سال است

در بندر عباس مشغول خدمات پستی بوده ام و گاهی نه با حکومت و نه با اهالی طرف بوده هراجنماعاتی شده خود را بی طرف دانسته وظیفه خود را انجام امور پستی و نظم ایاب و ذهاب پست دانسته بمن خدمتگذاری بداره خود شغلی نداشته ام . در این مورد مصباح دیوان و ورود شجاع نظام نیز همان رویه بی طرفی خود را از دست نداده مشغول خدمات بداره خود بوده ام ، اکنون که اینجمله در روز نامه مقدس ملاحظه شد اسباب حیرت گردیده خواشمندم یا اینکه جناب مدبر محترم رد این تهمت بفرمایند و یا اینکه نگارنده را معین فرموده تا اینکه تحقیقات بعمل آید و هر آینه اگر خلافی از من صادر شده مجازات قانونی را حاضریم

در حقیقت اعراض رئیس پستخانه بجا و بمن خدمت بداره خود درانجندت شغلی داشته و میتوانم بجرئت بگویم که پستخانه عباسی منظم ترین غالب پستخانه جات داخله ایران می باشد . بدیهی است نگارنده نیز سبق قلم نموده واشتباهاً نگاشته است

( جبل النین )

بر حسب نگارش وقایع نکار موقادار میرزا حسنعلی خان رئیس پست خانه در وقعه مصباح دیوان بطرف و بوظایف اداری خویش مشغول بوده است گویا صاحب مراسله سابق از روی نزادف سهواً اداره پستخانه را هم شامل نموده و حال آنکه اداره پستخانه ابدأ دخیل نبوده است

### شیراز

خبری که در عوام بر شده آن است که زن شخص اروپایی سوار آسی بوده است که با درشکه در دروازه شیراز تلاقی و بواسطه تنگی معر اسب آت زن دم میکند و مادام مضطربا از اسب پیاده میشود . شوهر آن زن متعاقب درشکه چی ناخت کرده او را کاملاً مشلق مینماید ، درشکه چی فریاد می زند و توجهی بحضرت عباس (ع) مینماید فوراً آن شخص بر زمین خورده اسپش سقط و پای آن مجروح می شود ، فریب یک هفته است که چراغانی منصل شده لباس آن شخص درشکه چی محض تبین و نیرگ قطعه قطعه شده است ، هر قدر ملاحظه خارجیان که احتمال خطر و انقلاب نملکت

بود قوام‌الملک خواست مخالفت نماید و رئیس نظمیّه خواست از جرائغان ملت را باز دارد جز توهین قایم دیده نشد

شهر شیراز در امنیت و آسایش، ولی بیرونها تا درجه حسب دلخواه نیست - سردار عشار در نواحی گرمسیر با جماعتی از تبعه خود در ایلات و سردار احتشام ایلخانی جدید در سرحد مشغول حکمرانی و عجالتاً ایلخانی جدید پیشرفت کرده است ایل بهارلو (یکی از ذوایف خسه) در کال ذبیحان و سرکنی است. نواحی فارس را در حقیقت تصرف کرده یعنی طرف جنوب فارس از قیبال فساء - جهرم - لارستان - داراب - را متصرف ضوری بی اعتدالی میکند که خارج از تحریر است. مال النجاره عمده که هر سانه از فارس خصوصاً از فساء حمل می شد عمده تریاک بود باین واسطه مقدارها تریاک امساله تقریباً شده تکلیف ملاک فساء و شیره مجهول است، از آن جمله آقا میرزا محمد صادق کشمیری که از اعظم ملاک آنجا است امساله ثلث از عایدی املاک او را ابتدا گرفتند بعد از آن باز مقداری تقدماً ماخوذ داشته بتازکی با استعدادی در کال یاس بشیراز مراجعه می کرده در راه او را گرفته سرو پای برهنه فساء عودت داده بغیر از پیراهن و زیرجامه جهت او باقی نگذاشته اند. و ما که خدای خودش یک جا کند کرده اند. عجالتاً در فساء مغلول است، یکی از تجار محترم فساء که طرف معامله با بهارلو بوده است مبلتی نوشته میدهد که فقط بعضی حفظ احترام میرزا محمد صادق او را بخانه خود نگاهدارد، عجالتاً در خانه مشارالیه توقیف است تا از مصدر ریاست بهارلو در مورد مشارالیه چه حکم شود - غالب تجار و ملاک چند روز خدمت قوام‌الملک نظلم کرده معزی الیه نهایت سعی را در استخلاص او نموده ظاهراً خیال دارد اگر بشود تدارکی جهت گوشمالی بهارلو داده آید

رد مکتوب پاریس

در تاریخ ۱۱ جمادی الاولی در شماره ۴۰ از مکتوبی بی امضا که بعضی نسبت های دروغین و بی جا بحضرت والا اقدس شاهزاده ظل‌السلطان ابوی نکرانده داده شده بود ملاحظه شد - اولاً

متشکرم که اداره شریفه تصحیح آن را نموده - نایباً تمام این اتهامات که در این چند ساله اخیر بحضرت معظم‌الیه داده اند خود بهترین تکذیب ها و تردید ها برای این نوع اکاذیب و منشاء این اکاذیب بخوبی معروف و مشکوف است، و بهترین دلیل کذبش اینکه در شهری مانند پاریس نشسته و با کلکته مکاتبه مینماید و امضای خود را مستور میدارد - اگر نگارنده راست گو بودی چرا نباید امضای خود را ظاهر داشتی، امروزه هیچگونه خوفی نکرانده را دامن گیر نبودی جز اینکه اگر امضای خود را ظاهر می نمود به اسم و رسم حضوراً و غیباً خودی و بی گناه تکذیبش میکرد. این اکاذیب را تردیدی لازم نبود محض اینکه جریده شریفه جبل‌الذین که ما برای هارا نیاورده و ذلخواهی و بی طرفی هست مناسب ندیدم که صفحاتش باین اکاذیب آلوده آید - بالخصوص دو چنین موقعیکه تمام قوای ما ایران را باید صرف اتحاد و یکانگی باشد - ولی هزار افسوس مغرضین دولت و ملت که امروزه هر جا هستند تا مملکت را بیاد ندهند (یعنی پیشتر از این) دست بر نخواهند داشت

بهرام سردار مسعود

مکتوب از طهران

نامه های مقدسه نمره ۳۹ و ۴۰ زیارت کرد و اجماع شاهزاده فرمانفرما با کمال تعجب بعضی چیزها نوشته دیدم که مورد تحیر شد یقین دارم مغرضین خاطر مبارک را مشوب ساخته و مسائل را بعکم داده اند!

چون از معتقدان نامه مقدسه بوده و مسلماً مستقیم روزنامه را که بی فرض صرف است میداند لزوماً رفع بعضی شبهات را لازم است از خاطر مبارک بنمایم

بدو بدون اینکه داخل در مطلب شده است ماضیه ساوجبلاغ را زاید نمیداند توضیح مختصر: بدمد در آن واقعه هیچ قصوری متوجه فرمانفرما نمی شود زیرا که در حالت محاصره بیکاه مقاوم نمود و از مرکز امداد خواست در عوض امداد و همراهی از وزارت خارجه ابوقت رمزاً بایشا

تلگراف شد و اگر عساکر عثمانی داخل عساکر  
متمرده هستند مقابل نکرده ساوجبلاغ را تخلیه  
نمایند ، بعد از رسیدن این تلگراف و موجود  
بودن عساکر عثمانی لابد بمناسبت این تلگراف رسمی  
رفتار مکرده با این حالت چه است عنصری  
متوجه ایشان میشود

اما در خصوص حرکت برای مقاله کردن  
با سالارالدوله که مرقوم رفته است کفو سالارالدوله  
نخواهد بود ، عملیات و اقدامات در این مدت خلاف  
آنرا ثابت و مدال میدارد یقین تا بحال واقعات جنگ  
های متواتر بسمع مبارک رسیده است ، بعد از جنگ  
در همدان که بواسطه جنگ نکردن قزاق ایرانی و  
بی حیه عقب نشستن فی الجمله فتوری حاصل شده  
جدداً جمع شده مجاهدین و مجتبیاریها رسیده بدشمن  
حمله برده در (قرده) بطرف شکست داده و بمنظور  
در محله وی ستون دو سه جنگ دیگر بین الزرقین  
واقع گردیده و در همه جا اتباع و اعوان  
سالارالدوله شکست خورده . بالاخره در ۱۴ شهر  
حال کرمانشاه بتصرف شاهزاده فرمانفرما در آمده  
و سالارالدوله بطرف ماهی دشت فراری و متواری و  
کردستان هم منظم شده و فعلاً اغلب از روسای  
ایلات آن اطراف نزد فرمانفرما گرد آمده و همه  
گونه اظهار انقیاد کرده اند . داؤدخان کلهر و یسرش  
هم در جنگ اخیر شکسته شده و البته لواج و  
روز نامجات و فوق الماده های واجبه بجنکها را  
ملاحظه فرموده اند . در این دو ماهه شاهزاده فرمانفرما  
بجنگ و تدبیر و استمالت تهدید با فکری عالی  
و جلادتی بین امورات همدان و کردستان و  
کرمانشاهان و ملایر و تومرکات و نهاوند را به  
نحت انتظام در آورده ماه های فساد را قلع و  
قع بی طرفها را استمالت و تامین داده و الاث  
که اینعریضه را ایضاً میدارم با کمال اطمینان  
میتوانم عرض کنم انصحات که دو سال در تحت  
استیلا و قتل و غارت سالارالدوله و امثال او بوده  
از اغلب جا های ایران امن و منظم تر است و  
در واقع و نفس الامر با این اغشاشات اگر فتنه  
سالارالدوله بدست ایشان بر طرف نمیکردید امسال  
یا نخت پایال جیاول سواران کلهر و لرستانی و  
کردستانی و غیره میشد و وخیم بودن عاقبت این

کار پوشیده و پنهان نیست ، حالافرضین برای  
استفاده های شخصی و غرض مخصوص نخواهند  
در روزنامه مقدسه که فقط و بالاختصاص زبان  
ملت است و نباید میدان غرض رانی بنده و دیگران  
بشود ، این قبیل اشخاص کارکن را بد نام ولکه  
دار نمایند ، صاحب جریده نیابتی بقول فقط اکتفا  
فرموده درج مجینه مقدسه فرماید

از قارئین محترم انصاف میخواهم همین عدلیه  
که فعلاً موجود و آیک اندازه جلومضی اجحافات  
متجاوزین بحقوق مردم را گرفته جز اینکه از مؤسسات  
ایشان است که با زحمت زیاد و اشکالات لا تعد  
ولا تحصى اساس آن را بر شالوده مستحکم ریخته  
و در کار پیشرفت بود که از طهران آواره اش  
ساختند ، شما را بخدا در چهار ماهه سه ماضیه  
وزارت جنگ ایشان چه کوتاهی در کار تنظیم قشون  
کرد در آن زمستان سخت که انگلیسها برای امنیت  
جنوب اوتیانوم داده بودند دو هزار و هشتصد  
فرفرشون مستمد فرستاد؟ وزارت جنگ را نحت  
انتظام در نیارود؟ در میدان مشق طهران بخوار  
فرفرشان بفرورم جدید (حالا جایش خالی است) مشق  
کرده سان نداد؟ آن لایحه ایران زنده کن اخذ  
سوار از ایلات که واقفاً باید محبی ایرانی دانست  
ایشان بشورای ملی پیشنهاد کردند که در شور کلبه  
دفعه اول هم از مجلس گذشت و بعد در شور دوم  
چند قریب بواسطه اغراض شخصی خود آت قدر  
کوشیدند و نگذاشتند از مجلس بگذرد و بمنظور  
مسکوت عنه ماند و این اقدام عاقلانه را هم که  
دارای حسن بلیتیک داخلی و هم خارجی بود برای  
غرض شخصی عقیم گذاردند

حالا هم همان گذارشات و واقعات سابق را که  
منافی میل بعضی اشخاص بوده در نظر گرفته و  
هر ذور هست این شاهزاده را دنبال میکند که میدان  
بکلی خالی مانده عاقبتی در مقابل خیالات خود نداشته  
باشند

مثلاً یکی از محضات ایشان این است که در این  
مدت که همه گونه مخاطره برای خود دیده مثل سایر  
شاهزادگان بی شرف خود را بخارجیها نه بسته و از  
روبه ایرانیت خود خارج نگردید -

عنوانی است که یکی از جراید خارجه رسیده  
( طهران و حکومت حاضره )

والاحضرت ناصر الملك این روزها در ( جاله  
هرز ) نیم فرسنگی شهر نقل مکان فرموده است بخيال  
برخی مخالفین از آنجا جمعیت لوردلنگن بطرف اروپا  
خواهند رفت

مخالفین ایشان می گویند که در حقیت لوردلنگس  
يك سفر خوبی برای والاحضرت مینواید بود چه  
در داخله و چه در خارجه تمام عوام و حیثیات ایشان  
از تعرضات متصوره بواسطه بودن این رفیق محترم  
مصون تواند ماند

اگرچه در ظاهر چیزی که بتوان بدان سبب  
حدوث واقعه را در سر راه نائب السلطنت  
تصور کرد بنظر نمیرسد . ولیکن از حدسیات  
فطیعه بعضی حدوث تعرضات و وقوع واقعاتی است  
سکه شاید در بعضی طریق خصوصاً در روسیه پیش  
بیاید

این است که خیلی از مصاحبت لورد مذکور  
اظهار شادمانی میشود و گویا تا فرنگستان ازین  
رفیق معزز که قبایع در خاک روسیه از او  
مواظبت کامل خواهد شد منتك نشوند

فلسفه این مسافرت هنوز معلوم نیست . فقط  
همان قدر معلوم شده است که دو نمره قبل  
نوشتیم آهم اظهاراتی است که از خودشان یا  
فی الحقیقت برای اسکات سائل گفته اند چند  
جمله است که در این جا میتوان تجدید کرد

تصفیه امتیاز راه آهن ایرات بوجه احسن - برای  
تصفیه مسکدورات حاده در روابط بین الدولتین  
روس و ایران - برای تسهیل شرائط قرضه توامان  
دولتین انگلیس و روس - و بالاخره بقول اخبار  
نویسات مرکزی ( ووقه مطبوعه ) برای دیدار  
فرزند ارجمند خودشان

بطور یقین میدانیم که امروز مهیب ترین موقع ایران  
و شدید ترین مواقع سیاسی و پلتیکی وسط آسیاست  
سه دولت بزرگ روس - آلمان - انگلیس  
بر سراجرای سیاست خودشان در سه قطعه آسیا .  
ایران . هندوستان . جزیره العرب . مشغول

کشاکش های شدید شده نقطه نشانه آن همه  
ایران است

امروز ایران علاوه بر اختلالات خارجی يك  
اختلال و بحران داخلی را هم که از اثرات سیاست  
خارجی ناشی شده است در بر دارد - از دم  
دروازه آذربایجان تا دم دروازه سیستان (بخط  
سیرضربی ) متعدد اشتعال و مرکز این دائره کردستان  
است که از دیو باز مشغول سوختن و زبانه زدن  
است

ایلات جنوب ایران بامداد و معاونشهای مادی  
و معنوی خارجی قوی شده و هر يك را افکار برضد  
هم و حکومت حاضره در تزیاید است هنوز که  
روابط حکومت هندوستان با ایلات جنوبی مستقیماً  
روی کار نیامده است می بینیم که آتش کینه بین ایل  
عرب و بختیاری و بین ایل قشقایی و قوام الملك  
زبانه زده اطراف خود را مشغول سوختن است  
می بینیم که اسلحه قاجاق در ( خوزستان ) و  
در وسط فارس بقیمت های نازل فروخته میشود  
و در ایلات تقسیم میگردد - می بینیم که ایلات کوچک  
بی بیضاعت فارس از دهنه ( یزد ) گذشته و بی محابا  
از دم دروازه مشهد تا دم دروازه ورامین را  
چاپیده و بلا مانع غنیمت خود را برداشته بیاده آمده  
بیاده مراجعت مینمایند - بلوری آزاد می آیند و  
میروند که گوئی یکدمه تا جر از لندن به پاریس عبور  
مینمایند

می بینیم که قزاق روس با هم دستگیری اشرار  
مشهد منطقه روس را رها کرده قصد دخول در  
منطقه انگلیس را دارد - از یکطرف می بینیم  
ایلات بلوچستان و سیستان وقائین باکال بی حسی و  
بی خبری که دارند بر علیه حرکت روسیات در  
مشهد باره زمزمه ها میکنند و قشون امیر افغانستان  
در هرات و سائر سرحدات غربی خود شایسته  
ساخلو گذارده میشود

بکجهجه موقع مهمی برای ایران فقط يك بلای  
آسمانی و يك قضای مبرمی است که باید منفر دانشوران  
مملکت شب و روز در تصفیه آتش کار کرده و  
خسته نشود بلکه بتواند استناد هم بگیرد

در همین موقع می بینیم که والا حضرت اولین قوه

الا حضرت ناصر الملك نایب السلطنه ما بفرنگستان  
سافرت میکند

ما دیگر نمیتوانیم از بکنتر ناصر الملك که  
اقل ملت ایران است تنقید کنیم، اگرچه از دقائق  
باریه مملکت آشته ایران بکاه نقادی است

بن کارفرمایان زیر دست

ولی بگذار طبیعت و تاریخ تنقید کند، طبیعت و

اریخ هم انتقامه کند

میگویند والا حضرت ناصر الملك میبود و چهار

مر را بر جای خود به نیابت میگذازد، سپه‌دار

اعظم، مستوفی المالیات، عین الدوله، وزیر مخصوص؛

گویا این چهار نفر کفیل نیابت سلطنت شده اند،

مهر نیابت سلطنت در دست آقای سپه‌دار اعظم

سپرده خواهد آمد، این‌ها میخواهند که یک

احتیاری را احراز کنند که بتوانند هیئت حکومت

را جرح و تعدیل نمایند. از این بیان معلوم می

شود که اساساً حکومت ایران در صدد تشکیل

پارلمان نیست و اگر هم باشد تا ورود والا حضرت

ناصر الملك در آن کار اقدامی نخواهد شد.

فرمانفرما سلامت خودشرا تلگرافاً بمركز

خبر داده است. مسیو فرم خان برای جنك با

سالارالدوله حاضر شده است. نتیجه این جنك را

نیتوانیم عرض کرد، لابد تلگرافات خبر خواهد داد

مخصوصاً چون مسئله خلق سلاح و تفرقه سپاهیان

غیر منظم (یعنی مجاهدین) که جز پیشهاد اخیر

دولت روس بوده است به گوش این بیچارگان

زحمت کش رسیده دیگر حس حمله و کوشش را

فراموش کرده اگر فراموش نکرده باشند خیلی

جوانمردی کرده اند

امروز قشونی جنگجو و دلیر تر از قشون

مجاهد ارمنی و مسلمان که بهمت فرم خان تشکیل

یافته در ایران موجود نیست! آن‌هم که بازی

روسها این طور شده و میشود دیگر حال دیگران

منوم است

چندی است که حزب داشناکیون با مسیو

بهره خات میانه خوش ندادند، این حزب

حکمه غالب مورد خدمات نیابت در ایران شده

اند. به تازگی بنام اجتماعيون، اتحاديون نامیده

می شوند.

گویا جناب مسیو فرم خان از پلتیک فرقه  
خارج و یا در یک محل سوء ظن واقع شده و شاید  
نسبت های معروفی را که بفالب مصادر امور می  
دهند بایشان هم داده باشند!

لذا فرقه مذکوره که اکثریت ارانیه ایران

را تشکیل میدهد و غیر از ارانیه نیز در آت

حزب عضویت داشته و دارند. از جناب مسیو

فرم خان رنجیده خاطر شده و در این روزها

حرکات حکومت حاضرین نیز ایشانرا بیشتر دچار اندیش

ساخته، و این نمایش اخیر یعنی دست گیری و نفی

عده از حریت بروران به آنان نیز اثر نموده است

چند روز قبل عده از مجاهدین ارمنی که برای

جلو گیری سالارالدوله رفته بودند در محل خود

توقف نموده بمحکومت طهران اظهار مبدارند که تا

خواهشهای فرقه اجتماعيون، اتحاديون بر آورده

نشود ما برای جنك و خدمت ابداً حاضر نخواهیم بود

حکومت طهران یا ایران نیز قبول کرده است

این چند شرط را که در ظرف یک ماه کم و بیش

آن را صورت خارجی بخشد

(۱) آزادی کلام و مطبوعات.

(۲) آزادی اجتماعات.

(۳) ابطال نظامی بودن شهر طهران

(۴) رحمت و رسیدگی در امور قضی شدگان

اخیره

(۵) آزادی ملت در انتخاب وکلای تازه

هرگز نباید دولت مشروطه به دوری عزت

نفس خود را بزیر پای بندازد که پس از شش

سال دوران اداری قشون مامور جنك موجب

خوراک دولت برای اجرای اساسیات آت

گرو نکرده و مواد نسخ شده مشروطیت را از

اولیای امور آن دولت بخوانند؟

آری تقصیر از دولت روس بوده که از این

حزب رشید غنلت ورزیده و اینها را هم مثل

دموکرات های حساس مقهور و معدوم نساخت که

امروزه برخلاف مرام او دم برتند

گویا دولت روس باغثال و گول زدن بکنفر

شخص این حزب کنایت کرده و کج می کرد

آن بول ها و کثالت ها می تواند از يك شخص متنفذ تجاوز کرده و به يك حزب و فرقه هم داخل شود ؟

باری ظن غالب آنست که دولت ایران مامل نماید که مرام بخسگانه حضرات را مجری ندارد و از امروز بتقویت آمرین خود عناصر راست گوی این حزب را مضمحل نماید !

ولی دیگر کان نمیرود که بتوان از احساس تازه بهار مردم جلو گیری کرده از انقلاب برای رقیب استاده حاصل نمود - نه تنها حکومت ایران نمیتواند این کار را بکند بلکه از قوه حکومت روسیه هم خارج است

کار ایران دارد شکل دیگری را احراز میکند و اساس پیش آمد کار ها را بر عکس این چند ماعه دارد خود نمای میباشد . بنظر ما بلنیک جنوبی يك باره در کار عوض شدن و مخصوصاً جلو افتادن و پلنیک شمالی بر عکس بواسطه وقاحت کاری ها در کار عقب رفتن و عقیم ماندن است .

( فریب جبان قصه روشن است )

( سحر تا چه زاید شب آستین است )

( بدالتحریر )

مقدمت مسافرت ناب الساطنه بفرنگ و بالاحتصاص مصاحبت ایشان با جناب لارڈ لنگتن و نیز تحویل مقام نیابت سلطنت به يك هیئت چهار نفری که در اخبار فوق شرح دادیم اگر چه به طور غیر رسمی عرض اتمام کرده و آفتابی شده بود ولی بموجب تحقیقات اخیر از دیشب تا امروز اساس آن ترتیب تغییرات کالی کرده است

لارڈ لنگتن از مراجعت خودش به معیت ناصرالملک از راه روسیه استنکاف ورزیده و گشت که چون من ساده و بدون رسمیت وارد ایران شده ام میخواهم با پیرایه رسمیت از ایران خارج بشوم - لذا میخواهم با ناصرالملک از راه رشت مراجعت کنم

هیئت چهار نفری که کفیل نیابت سلطنت معرفی شده بودند از قبول این شغل استنکاف می

ورزند میگویند که ناصرالملک حقوق سه ماعه را گرفته می رود و مشغول اوضاع داخلی را می شناساند . اگر کار ها خراب شد خواهند گفت بدستور ناصرالملک رفتار شده و اگر بد شد خواهند گفت که شا بدستور و سنارشات ناصرالملک عمل نه کردند تا این طور شد . در هر دو صورت قبول این کار برای انسان عاقل مقرون به صلاح نیست . مع ما فیه این کثالت اربعه اساس محکمی نگرفته . بزلزل شد !

این دو واقعه اطعمه قوی بخیالات مسافرت فرجام ناصرالملک وارد آورده . از قراری که مشهور است سفر ما مظلومه را از این مسافرت مانعت کرده اند ولی چیزی که مسلم است بگانه باعث تعدویق و یا ترک مسافرت که در ظاهر معروف شده است ملاحظاتی است که والا حضرت از حوادث بین العاربع داشته و عدم همراهی جناب لارڈ لنگتن نیز این ملاحظات را قوت داده و عجزاً این مسافرت معوق مانده است !

( حبس التین )

تردید نگارشات جراید خارجه از تاگرافات فوق و فتح اردوی ضرب و خدمات شاهزاده فرمانفرما و مسیو فرم خان متوفی و سایر ارامنه غیور و مجاهدین وطن خواه بختیاری و مقاله مخصوصیکه فلسفه مسلک دولت حاضر را آشکارا داشته ایم میباشد لذا تردید و تکذیب ما در این موقع که پیش آمد کار ها بالاصاله نموده لازم نمی آید همین قدر میگوئیم که اوضاع ایران رفته رفته کسب بهبودی نموده امید داریم بزودی آبهای رفته بخوبی باز آید و مجلس شورای ملی سریباً تشکیل و اینک که امنیت در کایه بلاد ایران فرمانفرمات انتخابات بعونین ملی از روی صحت بشود و در حقیقت از کابینه سابق وزراء جز وزارت جنگ و رئیس الوزراء باقی مانده تماماً تغییر پذیرفته است و کچن مامم این است که تا عودت والا حضرت ناصرالملک مجلس شورای ملی تشکیل نیابد ولی دور نیست بزودی شروع به انتخابات و کلا بجايند



## ﴿ جنت آباد بونه ﴾

( فهرست معاونین قبرستان بونه )

- روپیه آنه بانی  
جناب فخرت نصاب آقای آقا میرزا محمد صاحب  
امینالتجار شیرازی بمبئی ۱۰۰۰  
جناب آقای آقا محمد حسین صاحب تاجر دهمدستی  
بمبئی ۳۰۰  
یکی از خیرین داده است بمبئی ۳۰۰  
جناب حاجی سلطانعلی صاحب تاجر شوشتری بمبئی  
۲۵۰  
جناب حاجی سید محمد صاحب تاجر کازرونی بمبئی  
۱۵۰  
جناب حاجی شیخ محمد صاحب تاجر شوشتری بمبئی  
۱۱۰  
مرحوم حاجی حمزه خان عمره ۱۰۰  
جناب آقا شیخ محمد صاحب اصفهانی پروفیسر بمبئی  
۱۰۰  
جناب حاجی سید احمد صاحب تاجر یزدی بمبئی  
۱۰۰  
جناب آقا محمد تقی صاحب تاجر افشار بمبئی  
۱۰۰  
جناب آقا میرزا احمد صاحب شیرازی بمبئی  
۱۰۰  
جناب حاجی محمد کاظم صاحب تاجر شیرازی  
بمبئی ۱۰۰  
جناب حاجی محمد ابراهیم صاحب تاجر بوشهری  
۱۰۰  
جناب آقا میرزا علی محمد صاحب تاجر کاشانی کلکته  
۱۰۰  
حضرت علیه غایه بی بی صاحبه دامت شوکتها بمبئی  
۱۰۰  
تواب علیه غایه بی بی زیبا دامت شوکتها بونه  
۱۰۰  
جناب آقا محمد علی صاحب شیرازی دلال بمبئی  
۵۱  
جناب آقا محمد جعفر صاحب تاجر شوشتری مولی بمبئی  
۵۰  
جناب حاجی محمد حسن صاحب تاجر نمازی هنکانک  
۵۰

- روپیه آنه بانی  
جناب حاجی مشیرالتجار عمره ۵۰  
جناب آقا میرزا عبدالله صاحب تاجر کازرونی بمبئی  
۵۰  
جناب حاجی محمد باقر صاحب تاجر جهرمی بمبئی  
۵۰  
جناب آقا ربیع العابدین صاحب تاجر کازرونی بمبئی  
۵۰  
جناب آقا محمد رضا صاحب ابن مرحوم آقا محمد  
جعفر صاحب تاجر اصفهانی بمبئی ۵۰  
جناب آقا محمد مهدی صاحب ولد مرحوم حاجی  
محمد جعفر تاجر یزدی بمبئی ۵۰  
جناب آقا میرزا عبدالله صاحب تاجر کرمانی بمبئی  
۵۰  
جناب آقا علی صاحب ابن مرحوم حاجی غلامحسین  
تقی بمبئی ۵۰  
جناب آقا حسین صاحب ابن آقا علی صاحب تقی  
بمبئی ۵۰  
جناب آقای آقا عبدالرحیم خان صاحب بونه  
۵۰  
جناب آقا میرزا محمد تقی صاحب واعظ شیرازی بونه  
۵۰  
جناب آقا محمد صاحب دلال یزدی بونه  
۵۰  
جناب آقا سید عبدالحسین صاحب اصفهانی بمبئی  
۴۰  
جناب حاجی میرزا محمد علی صاحب یزدی بمبئی  
۲۵  
جناب آقا محمد صاحب تاجر دهمدستی هنکانک  
۲۵  
جناب آقا محمد علی صاحب و آقا علی اصغر  
صاحب تاجران گرجی بمبئی ۲۵  
جناب آقا مرتضی صاحب ابن مرحوم آقا محمد  
جعفر صاحب تاجر اصفهانی بمبئی ۲۵  
جناب آقا محمود صاحب تاجر دهمدستی بمبئی  
۲۵  
جناب آقا میرزا محمد علی خان صاحب منشی بمبئی  
۱۵



## ( اقتباسات )

نشان شیروخورشید درجه چهارم باقی میرزا  
محمدخان نایب کارپردازی دولت علیه ایران در  
عشق آباد مرحمت گردید

نشان درجه سیم بزرگیک قائم مقام نجف مرحمت  
شد

نشان درجه سوم به حاجی بیک قائم مقام  
کابلین داده آمد

متوالیاً قشون روس از آستارا بسمت اردبیل  
حرکت میکنند میخواهند ارك دواق را موقتاً برای  
اقامت عمده قشونیکه خواهد ماند تصرف آنها داده  
شود. اولاً سوق این قشون باهیجان که درشامسون  
است ممکن است منجر باغتشاش و حمله بطرف روس  
ها شده نتایج وخیمه از آن بروز نماید. ثانیاً تصرف  
بارك دولتی ولو موقتاً هم باشد بدست گرفتن نام  
اقتدارات محلی و بالاخره منجر همه قسم مداخلات  
خواهد شد - و گذشته از سوء اثر در افکار  
نامه در خود ابلاط شامسون که دولت امید وار  
است کم که بدون زحمت موفق بخلع اسلحه و  
آرامی آنها بشود یقیناً تولید هیجان خواهد کرد  
و برای طرفین اسباب زحمت عمده خواهد شد

فرمانفرمای آذربایجان دوشنبه روز دیگر حرکت  
کرده و مقدماتی ترتیب داده اند که بمحض ورود  
امنیت و آرامی آن صنایع فراهم آید

## تذکرات مهمه

بحسب تاگراف بطرسبرگ قشون چین درختن  
ترستان خانه یکی از رعایای روس سید افتدیرا محاصره  
نموده آتش زدند و صد نفر همراهان وی که در  
آنجا بوده پیشتر کشته شدند

در لندن مقام هایدبارك هنگامه شده یکی از  
عمله جات ترك كار گفته بود پلیس گرفتار  
همکارانش به رهائی وی برخاسته پلیس هم با  
چوب مقابله کرده بسیاری از زن و بچه پاهال شده اند  
وزیر مختار روس در بکن مطالبه نموده است  
خساره که در ختن برعایای وی وارد آمده و طلب  
کرده است سزای مرتکبین را

لاردر کتخ در قصر بکنگهم ملاقات اعلیحضرت  
جارج پنجم را نموده سپس در وزارت خارجه رفته  
تادیر باز صحبت نمود

بمعرفت جناب آقا میرزا علی محمد صاحب تاجر  
کاشانی ۲۳ - ۸ آه

مرحوم آقا میرزا محمود صاحب کاشانی

بمعرفت جناب آقا میرزا علی محمد صاحب تاجر  
کاشانی ۲۰

آقای آقا عبدالرحیم خان ۲۵

مرحوم آقا میرزا علینقی صاحب تاجر شیرازی  
۱۵

مرحوم آقا محمد مهدی محلاتی ۵

حاجی محمد تقی طهرانی ۴

آقا کر بلانی ابراهیم طهرانی ۲

آقا علی صاحب ۱

جمع ۸۳ - ۸ آه

## حبل المتین

قبرستان مخصوص برای ایرانیان بونه باندازه  
ضرورت بود که بیانش از جز تحریر بیرون است  
از چندی باین طرف که اسلام پرستان و ملت  
خواهان این احساس را نموده در صدد بر آمده  
حکومت محلیه بونه درخواست داده تا در چند  
هفته قبل که در روزنامه حبل المتین اشاره نمودیم  
حکومت زمین مخصوصی برای قبرستان ایرانیان اعطا  
نمود - معلوم است که این زمین بصورت قبرستان  
پیدا نماید و ضروریات آن آماده شود قریب ده  
هزار روپیه از هر جهت مصارف دارد - الحقی  
تجار محترمین ببنی کمال همت را ابراز داده باینکه  
در سال گذشته بالغ بر هشتاد هزار روپیه خبرات  
نموده بودند از قبیل اعانه بدمرسته معلوم اسلامی  
علیکده و خریدن امام باره شوشتری و تعمیر قبرستان  
ببنی وغیره وغیره که بیشتر از بذل توجه جناب مستعجاب  
آقا میرزا محمد امین اتجار و سایر محترمین شده در باره  
قبرستان معروف بجنات آباد بونه هم داد همت و حمایت دادند  
ما از طرف خود تشکرات صمیمی خدمت مطاوعین  
این امر خیر تقدیم نموده مزید توفیقاتش را از خداوند  
مسئلت میبایم و انشاء الله و تعالی کسانیکه در این  
راه خدمت و همت و همراهی از آغاز تا انجام  
این امر نموده اند چه رسمی و چه غیر رسمی به  
موقع خود اشاره نموده و از ایشان تشکر خواهیم  
نمود و من بد هم آنچه در این خصوص اعانه  
برسد در روزنامه حبل المتین باتشکر درج خواهد شد

رئیس الوزرای انگلستان - سراسکویت در دین بود که یکی از زنان حقوق طلب میخواست او را آتش زده و پارچه نفق را آتش زده در موقعیکه در تاشا خانه نشسته بود بر او برتاب کرد - سزمبکا وزیر بحری در موقعیکه سنک افتتاح مدرسه کلایون را میگذازد - مادم بایک از زنان حقوق طلب شده از عقب او را گرفت بشدت حرکت داد

بر حسب خبریکه روز یاقه واقعه جنوب سودان روز بروز سخت میشود خصوصا در سرحد حبشه چنان معلوم شده که یکمیلیون تنک از قسم تنک های فرانسوی نزد آن ها موجود است قشون انگلیس و مصر که با جرگه وحشی (انوک) جنگ می نمود ملاحظه کردند که وحشیان عربان قمارفشانک کمر زده مانند افواج تریب یاقه جنک میبایند اعلیحضرت میکادو ابراطور ژاپون سخت در بستر علالت افتاده است

بر حسب خبریکه روزنامه طمس لندن از پلربرگ رسیده در معاهده جدید روس و ژاپون این شرط هم شده است که در منگولیا و منچوریا توام مدافعه نمایند اگر دولت دیگری بر سر آن آید - مسر جرجل در موضوع قوای بحری بحث نموده اظهار داشت که امسال پنج جهاز دریدنات تعمیر می شود و آینده هر سال چهار جهاز خواهند ساخت و ما هرگز نمی توانیم رضا دهیم که در قوای بحری ما کی نمودار شود - یک ایستگاه برای جهازات موشک در اسکندریه تسیر خواهد شد و سایر ترفیسات بحری هم داده خواهد آمد

سر ادورد گری به جواب سئوالی در پارلمان اظهار داشت که هیچ سببی ندارد که ما خیال کنیم بواسطه معاهده روس و ژاپون در منچوریا و منگولیا خللی به تجارت ما وارد آید - از آن جهت توجه داد مجلس را معاهده پیر ژاپون و روس در ۱۹۰۷ که تمایت و استقلال مملکت چین را تسلیم و تجارت همی را آزاد قرار داده اند

لاردر کورمر رای خود را چنین ظاهر میدارد که استحكامات بحیره روم برای دولت انگلیس خاصه در محافظه مصر اشده ضرورت را دارد تا وقتیکه قوای بحری ما درجه اول نباشد قبضه ما بر مصر ممکن نیست

اخبارا (مانن) پاریس می نویسد که عنقریب دولت ایتالی شن جهاز جنگی (دریدنات) بزرگ تعمیر خواهد

نمود، و آستریا سه دریدنات خواهد ساخت و از این روست که دولت انگلیس با پناه وسیعی اداره بحری خود را تکمیل مینماید

وسا خبر میدهند که در تاشقند ترکستان قشونی که راه را صاف میکرده بلوا نمودند باغبان ۱۳۰ بشار آمده تمام شب شلیک می کردند

روزنامه طمس عنوانی نکاشته اهمیت می دهد مسئله ثبت و تثبیت را که در راه آزادی خودشان چگونه جانیازی می نمایند و چنان تصور میکنند که بواسطه اتری چین و نداشتن پول و آوم مجدداً استیلای وی بر ثبت قائم تواند گردید - اخبار مذکور مینویسد که عنقریب آن موقع خواهد رسید که دولت انگلیس حیثیت و مقام خود را در ثبت موضوع فکر و غور قرار دهد - حکومت چین را از ثبت خود تثبیت بیرون کردند - و پس از اینکه با روس و انگلیس مخابره نماید بر حسب معاهده دولتن مداخلت نمایند نمود علاوه بر این دولت چین دانسته معاهده انگلیس و روس را درین موضوع شکسته است - اخبار مذکور می نویسد که دولت انگلیس یک وجب از خاک تثبیت را خواستار نیست ولی چون تثبیتان فلک زده برای آزادی خودشان جان میدهند مورد ترحم دولت انگلیس باید واقع شوند

اخبارات پاریس مینویسد که دولت فرانسه نیز باید قوای بحری خود را اضافه نماید بیان می شود که دولت روس سعی است که در مساملات سیاسی چین هیچگونه پیچیدگی پیدا نماید ولی معاهده در انخصوص نخواهد شد

تلاکرافات راجعه بهمانی

ناظم پاشا که سابق والی بغداد بود انکار نموده است قبول عهده وزارت جنگ را مگر بتروط ذیل اول انقصال مجلس - دوم قانون عرفی باعالی قبول این شرایط را انکار نموده کابینه متزلزل و ممکن است استعفا نماید

قشون نظامی قبضه نمود بر سیدی علی که وائیم در وسط سرحد تونس و ترابلس است و پس از رسیدن کک ترکان حمله شدیدی نمود ولی باقتضای زیاد عقب نشستند، شن سماعت کامل جنگ برقرار بود بر حسب تلاکراف رسمی روم در جنگ سیدی علی شازده نفر از قشون ایتالی مقتول و ۷۳ مجروح گردید و این نیز بیان شده که چند صد اجساد ترکان در میدان جنگ دیده شده است

قوله را هم همراه داشته از دور نمودار بودند  
باب عالی حکم اسداد مطلق دارد بلیز نداده ،  
بلکه امر داده است که بوغاز دارد بلیز را تضییق سازند  
خبر حمله ایتالی بر دارد نلز در ویانه و برلن  
اسباب حیرت و بی اعتباری گردیده چه بین سرمایه  
داران ایتالی و آلمان گتنگوی صالح بطریق کامیابی  
یشرفت نموده بود

نوزدهم بعد از سلام چه در اسلامبول اعلان  
سلطان قشون قرائت شد مبنی بر اینکه برخی  
افسران قشون تاریخ هیجدهم بعضی مطالبات برخلاف  
مشروطیت نموده بودند که به هیچ وجه پای بندی  
بوظایف جنکی خود نداشته در این فرمان اصرار  
شده که افراد قشون پای بند وظایف جنکی خود  
بوده از شرکت بامور پلتیکی ~~کناره~~ جویند همین  
خلاف ورزی در وظیفه قشون سبب گردید که  
دشمن تادروازه دار الحلاوه رسیده است معلوم میشود  
که این فرمان بواسطه انجمنی بود که برخی افسران  
قشون نموده و ناظم پاشا و کامل پاشا را بحضور  
سلطانی فرستاده خواستن نموده بودند که مجلس  
شورای ملی منحل گردد

بدریق نیرسی در روم بیان شده که جہازات  
موشک وارد دارد نلز و از روشنی برق معلوم و  
از دو طرف بر آنها سخت شلیک شد معلوم نمودند  
که جہازات جنگی ترکی کاملاً متشد مدافعه و  
برای حفظ خود شان حصار آهنین کشیده اند از  
این رو کشتیهای موشک ما حمله و بدو هیچ گونه  
تقصانی معاودت کردند

اخبارات ایتالی منباب ورود کشتی های موشک  
خود شان به دارد نلز می نویسند که توپخانه عثمانی  
ناقص بوده که هیچ گونه نقصانی به کشتی های ما  
نرسانید و نیز می نویسند که این حرکت کشتی های  
موشک ما که بیست میل سیر در دارد نلز نموده  
یک صحنه تهور و بهادری به جنک های تاریخی  
بحری افزوده است ، تشریحات رسمی که از  
آن بعد اشاعه یافته ظالم میدارد که نقصان کشتی  
های موشک ایتالی خفیف بوده

بر حسب تلگراف رسمی روم قشون ایتالی  
در غربی (مصر عکا) ۱۵۰۰ نفر اعراب را عقب  
نشانیده و از قشون ایتالی ۱۹ مقتول و ۸۷ مجروح  
گردیده اند

بر حسب اخبارات موثقه اسلامبول عنقریب

پارلمان عثمانی اعتماد و اعتبار خود را بحکومت  
حاضره به ۱۹۳۳ رای بقائه ۴ رای گذرانید ، رئیس  
الوزرا و وزیر خارجه نطق مفصلی در پارلمان نموده  
حسن روابط و تعلقات باب عالی را با دول سائره  
ظاهر داشتند و در نطق های خود شان مخصوصاً  
روابط دوستانه جدید با ایتالی را با دولت انگلیس  
اصمیان بخش جلوه داده اند که برای آینده فال  
یک بشمار می آید و این نکته هم بیان شده که  
محمود مختار پاشا عهده وزارت جنگ را قبول  
نموده است

استغناء کابینه با ایتالی بدین سبب گفته میشود  
که محمود مختار پاشا بدین شرط وزارت جنگ را  
قبول مینماید که قشون از البانی طلب و با ایتالی به البانی ها  
اعتبار نماید ، توفیق پاشا سفير عثمانی در لندن رئیس الوزرا  
انتخاب شده و گویا ناظم پاشا وزیر جنگ قرار گیرد  
کابینه عثمانی تصویه نموده است که یک کمیسیون  
صاحی که سه نفر بموئین البانی هم شامل آن باشد  
به البانیا گسیل آید

هفته گذشته در (دباکوی) البانی چهار ستاین  
قشون ترکی محصور و از سیصد نفر اسلحه گرفته  
اسیر گردیدند و بقیه از (دباکو) فرار کردند

معاملات عثمانی پیچیده و سخت است امید میرود  
که توفیق پاشا کابینه که اعضایش از اتحاد و ترقی  
زیاد تشکیل دهد تا اهالی البانی و مقدونی خوشوقت  
گردند ، ولی اقدامی درین نمودن انجمن اتحاد و  
ترقی نخواهد شد که تا کنون هم قوت آن زید است  
بر حسب خبریکه روتر یافته از (قوم قلعه)  
دارد نلز شلیک زیاد شده است ، نوزدهم شهر حال  
بسعادت یک فرنگی شبانه هشت جہاز موشک ایتالی  
حمله بر دارد نلز نموده از دو طرف قلعه بر آنها  
شلیک شد ، دو از آنها مفروق و شش دیگر بیکار  
گردیدند ، با ایتالی حکم داده که دارد نلز را  
مسدود دارند

توفیق پاشا عهده رئیس الوزرا عثمانی را منظور نمود  
مراسله اشاعه در روم یافته که خیال نمودن  
چنین امریکه شش جہاز موشک ایتالی بر دارد بلیز  
حمله نماید غلط است قلعه گیان عثمانی از خوف  
خود شان به شلیک مشغول گردیدند

بر حسب اخبار رسمی که از اسلامبول رسیده  
و تیکه کشتیهای موشک ایتالی از گیل بولی رهسپار  
آمدند بست و دو جہاز جنکی ایتالی که جہازات

تبدیلات عظیم پیش خواهد آمد انجمن اتحاد و ترقی  
را که قشون رها نموده مصمم گردیده است که برای  
حفظ مقام و حیثیت خویش در مقابل خطرات سخت  
ایستادگی نماید مسلک قشون صاف ظاهر است که از  
سلطان خواست نموده انفصال مجلس و رئیس الوزرائی  
کامل پاشا را

توفیق پاشا استعفا نموده است از ریاست وزارت  
عمانی چه سلطان امتناع نموده است از انفصال مجلس  
اعلیحضرت سلطان فرموده اند که چنین اقدام مخالف  
با اصول مشروطیت است، توفیق پاشا سبب عمانی  
در لندن خواهد ماند

غازی مختار پاشا رئیس الوزرا مقرر گردید و  
مشغول است به تشکیل کابینه جدید

کامل پاشا وزیر - رجه، ناظم پاشا وزیر جنگ،  
حلمی پاشا وزیر داخله مقرر گردیدند

مجدداً تبدیل در وزارت شده کامل پاشا رئیس

شورای دولت، و نور اوقیان پاشا وزیر خارجه مقرر  
گردید و این تبدیلی خیلی اهم دیده می شود و در  
آینده تصور می نمایند که کامل پاشا رئیس الوزرا  
گردد، کابینه تصویه نموده است که قوانین عرفیه را  
مرتفع و یک کمیسیون صالح به البانی فرستاده شود  
دولت ایسالی کم کم تسلیم می نماید که بر جهازات  
موشک وی که به دارد نیز داخل شده بودند نقصان  
وارد گردیده است و جهاز موشکی که مقدم بر همه  
بود از سد بحری که قرار داده بودند گذشت

باب مالی حکم نموده که فرستادن قشون به البانی  
موقوف و حکام را امر شود که تثنی اعلالی  
البانی را نموده هر قدر زود تر ممکن است قشون را  
از شهرهای البانی طلب نمایند

کابلی اعلالی بشتنا قبضه نموده قشون ساختوی  
عمانی اداعت کردند

در موقیقه رئیس پارلمان عمانی مکتوب سر بهر  
انجمن قشونی را قرائت نمود غوغای زیاد برخاست چه  
در مکتوب نگاشته بود بکلاه که فوراً ترک وکالت  
گفته در ۱۸ ساعت مجلس را منقل نمایند

اسلامبول ملو گردیده است از عناصر آتش نشان  
ولی امید می رود کابینه که مرکب از اشخاص قوی  
با خود است این خطرات را رفع نماید کابینه تسلیم  
مینماید که انفصال مجلس لازم گردیده ولی میخواهد  
باصول مشروطیت کارروائی بشود و کوشش مینماید  
که انجمن قشوی اسلامبول بطریق سختی کار روایی  
نه نماید

اخبارات راجعه به افغانستان

بر حسب خط جلال آباد اعلیحضرت امیر

نهایت توجه را نسبت به تعمیر راهها دارند و بطریق  
بیگار از رعایا کار گرفته میشود و یک راه جنگی  
از انبان تا کافرستان باز گردیده و پل های زیادی که  
در این راه زده خواهد شد تکمیل یافت و راه  
اسهار در جنوبی کافرستان هم عمده تعمیر شده است  
گفته میشود که اعلیحضرت اراده دارد که راه  
جنگی کافرستان را متصل به طریق تجارنی بدخشان سازد  
در اوایل این ماه جمعیت زیادی از فرقه منگل  
و غلزی با زن و بچه وارد خرم گردیدند و اینها  
اشخاصی بودند که بلوای خوست را برپا داشتند  
چون رفع غایبه شده بناه بخاک انگلیس می آورند  
چون جمعیت آنان زیاد بود و خوف آن میرفت  
که در سرحد مورت اشتناش شوند و علاوه برین  
حکومت هند و دربار کابل مبادعه شده است که  
اشرار و باغیان را مسترد دارند حکومت سرحدی  
هند با آنها اعلان نموده که یا عودت به اماکن خود  
کنند و یا اسلحه گذارده دور از سرحد سکونت  
ورزند ازین رو مجدداً آنها بخوست مبادعت کردند  
و امید است که حکومت افغانستان هیچگونه صدمه  
بآنها وارد نخواهد آورد

### تلاکرافات راجعه بایران

وقایع نگار جنگی روزنامه طمس با منتهای شدت  
مقاله برخلاف راه آهن طوورای ایران نگاشته اظهار  
داشته است که بواسطه عدم گنجشایش قشون هند  
مقتدر بر حمل چنین بارگرای نیست بد بختانه رفارم  
جنگی را که لارد کبتر نموده بود محض خاطر لارد  
هاردیج موقوف داشته اند و پیروی از معاهده روس  
و انگلیس هم مخالفت آن رفارم را ظاهر میدارد و  
چون توسیع در اداره بحری داده می شود من بعد  
ممکن نخواهد بود برای انگلستان تأیید قشون بری  
نقطه خاصی، تعمیر این خط راه آهن معیاش خانه  
استقلال بوتیکی ما در هندوستان است

وقایع سکار مذکور خشونت و جلاکی روس را  
در حمل و نقل قشون در منچوریا مذاکره کرده  
امید می نماید که دولت انگلیس هم نقشه جاپان را در  
مقابل آن پیش گیرد - وقایع نگار موصوف تسلیم نمی نماید  
که تعمیر این خط راه آهن لابدی و لازمی است  
و عقیده وی آنست که همیشه تجارت هندوستان  
باید بحری باشد و اصرار نماید که تحقیقات کامله  
از مردمان لایق انگلستان در این خصوص بشود  
نه از صاحبان سرمایه بین المللی

در مجلس اعیان انگلستان (روس آن لارد)  
شب پانزدهم جولائی لارد کرزن مناب راه آهن  
طوورای ایران فلق داده چنین بیان کرد و به اعلان

گشت که این راه آهن نام جنبیات آتیه ما را در هندوستان تبدیل خواهد داد و ضرورت پیش خواهد آورد که در اساس محافظه مند نظرانی بنائیم و حکومت باندازه این تجویز را ضمانت نموده که باز گشتش غیر مبسور است. لارڈ موسوف ظاهر داشت که نتیجه چنین راه آهن این خواهد شد که مجبوراً ما قشون بایران فرستیم و سرحدات هندوستان را توسعه دهیم و بیچیدکهای دیگر هم پیش خواهد آمد، لارڈ موسوف جداً مطالبه نمود که آوای ماهران جنگ را در خصوص این راه آهن اشاعه دهند -

لارڈ مورلی از طرف دولت جواب داد باینکه سرادوردگری چند یوم قبل در این خصوص اجربه شافیه داده، فهم کلیات و طرز بیان لارڈ کرزن دشوار است، دولت هیچ گونه تشویقی به کپسای راه آهن (سوسای دی ایندوس) ننموده جز اینکه مخالفت نشده هیچ امری نگفته و نکرده است که ما را باز دارد از ملاحظیات و نزاکت پلتیکی نسبت به اساسیات کپسای مزبور

لارڈ مورلی مجدداً بیانات و القانات سرادوردگری را خصوصاً در موضوع انوات راه آهن من باب برقراری امنیت و تجارت تکرار نمود در خانه کلام اظهار داشت که در موضوع امتیاز راه آهن ما هیچگونه خواهشی نداریم که تجارت سایر دول را علیحده کنیم اگر چنین اصولی اختیار شود این راه آهن برای ایران مافع نتواند ماند. ما را هیچگونه خواهشی نیست که فعلاً راه آهنی در ایران بسازیم، فقط سعی هستیم که محفوظ داریم خطراتی را که ازدادن امتیاز راه آهن بخارج برای ما پیش تواند آمد و سرحدات ما را بطریق جدگی نقصان رسان شود، لذا خواهیم ما آنست که اگر چنین راه آهنی بنا شود ساخته آید خودمان تعمیر بنائیم و حکومت امید می کند که لارڈ کرزن مد نظر گیرد آن شرایط سختی را که در تعمیر این راه آهن ما منظور خواهیم نمود لارڈ لمنگتن بیان نمود که این مجوزه راه آهن مملو است از هر گونه خطرات و دارای هیچ گونه منفعتی برای ما نیست

لارڈ انجکپب امید نموده که هیچ وجهی از هندوستان در این راه بطریق فضول خرج نشود، لارڈ کریو وزیر هند جواب داد که من متفق ام برای لارڈ انجکپب که یک رویه هندوستان بر این تجویز خرج نه گردد و الزاماً که لارڈ کرزن بحکومت دائم مبنی بر غلط فهمی است

سرادوردگری بجنوب سر جارج رابرتسن در

پارلمان بیان سکرد که او واقف است از قصد روس که یک راه آهنی از جلفا تا تبریز که علاوه است از راه آهن ماردی ایران بسازد ولی مطلع نیست که آیا ایران این تجویز روس را منظور نموده است یا نه مگر ما با وزیر مختار خودمان مقیم طهران مخبره نموده ایم که کپسای انگلیسی در جنوب هم این شبه راه آهن خواهد ساخت، و اگر در شمال امتیاز راه آهنی بدوات روس داده شود ما هم در مقابل دعوی امتیاز راه آهنی در جنوب خواهیم نمود و البته این نکته را باید دانست که از جلفا تا تبریز سلسله راه آهن وسیع نیست

بر حسب خبریکه از شمله رسیده تا کنون منبای راه آهن ماردی ایران در این جا گشتگوی نیست جز اینکه دولت انگلیس با حکومت هند در این خصوص مخبرات می نماید، مستر جانس مهندس در شمله است و چنان تصور می شود که در زمستان آینده مجدداً مشغول بجایش گردد

در (هوس آف لارڈ) دارالاعیان انگلستان لارڈ لمنگتن توجه دولت را بطرف حالات غیر مطمئنه دولت ایران خواستار آمده اظهار داشت که رسوخ و قنود انگلستان در ایران روز افزون کم میشود، و گفت دولت انگلیس کاملاً آماده شده است که منافع خود را در ایران قربان خواهشات روس نماید -

لارڈ کرو وزیر هند حمایت نمود ماهده روس و انگلیس را و بیینه بیانات سرادوردگری را که در پارلمان نموده تکرار کرده گشت دولتین روس و انگلیس نا جائیکه ممکن شود تأییدات مالی بایران خواهند داد و به قوت بیان کرد که هرگز دولت انگلیس کاری نخواهد نمود که جنوبی ایران را با قشون قبضه نماید و کمال بیوقوفی است که ما ذمه داری خودمان را در جنوبی ایران زیاد بنائیم - اگرچه مسئله ایران خیلی پیچیده ولی آثار ترقی در آن نمایان است

لارڈ کرزن اظهار داشت که پیش آمد افق ایران خیلی تاریک است و طرز و روش ما لا محاله قبضه قشون را بر جنوب ایران میلان می دهد و ابرهای سیاه در افق ایران جمع شده و مملو است از خطرات آینده نه فقط برای تعلقات ما با روس بلکه بواسطه حفاظت سرحدات هندوستان و عقیده من این است که دولت انگلیس باید در مقابل روس جوش و همت خود را ظاهر دارد و باین جهت اصرار نماید که استقلال و آزادی ایران البته کاملاً برقرار ماند

جبل‌المنین کلکتہ

مدیکل کالج امٹریٹ نمبر ۴  
HABULMATIN OFFICE  
4, MEDICAL COLLEGE STR  
CALCUTTA

کلیه امور اداره بامدی  
کل مؤیدالاسلام است  
هردوشنبه طبع  
سه شنبه توزیع میشود  
یسوم دوشنبه

۲۱ شعبان ۱۳۳۰ هجری

صادق با

۵ اگست ۱۹۱۲ میلادی

و ۳۳۰ حق اخذ ابومه بدون قبض ندارند و تا وقت که  
مشترکین را قبض مخصوص سال بیستم دست نیابد  
ذمه شان بری شناخته نمیشود

ناه مقدس



سنه ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

( معروف اداره درج نمیشود )

قیمت اشتراك

سالانه — شش ماهه

هند . برمه

۱۲ روبه — ۷ روبه

ایران و افغانستان

۴۰ قران — ۲۵ قران

عمان و مصر

۵ مجیدی — ۳ مجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات — ۶ منات

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود

( مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست )

( اعلی حضرت متو هیو میکادو و امیرانور اعظم کل عالم ژاپون )



( اعظم ضایات آسیا - زده کننده ملت ژاپون - محسن بزرگ امت شرق )



### رحلت امپراطور ژاپون

با نهایت تأسف می‌نگاریم که اعلیحضرت امپراطور متسو هیتو میکادوی ژاپون یوم سه شنبه بساعت دوازده و ۴۳ دقیقه بایک عالم شرف و افتخار و یک دنیا اثرات نام که در قلوب عالمیان به یادگار گذارده این جهان فانی را وداع فرمود.

اعلیحضرت متسو هیتو در سال ۱۸۵۲ میلادی متولد و در ۱۸۶۷ تختگاه مورونو خویشرا بالاستحقاق تکیه زن گردید. در سال ۱۸۶۹ با شاهزاده خانم ماروکو که خیلی نسیم و تربیت یافته و بیدار مغز و ملکه حالیه است ازدواج نمود و در سال ۱۸۸۹ وایعهد ایشان یوشی متسو متولد گردید. کلبه ترقیات امروزه ژاپون در عهد این شاهنشاه بیدار مغز متوفی حاصل آمد. این شاهنشاه بانصراف طبع خویش بدون فشار داخلی و خارجی پارلمانی بر نقشه انگلستان در توکونشکیل فرمود و ملت خویش را در امور سلطنت خود دارای حقوق قرار داد. اول پادشاهی که از حقوق سلطنت استبدادی مانتسار گذشت همین شاهنشاه متوفی بود امپراطور میکادو قوت امرا و ارباب بار که مانع مساوات و ترقی ملیه بودند (چنانچه در کلبه آسیا هستند) بقوت امپراطوری خود در هم شکست و در تربیت و تعلیم ملت ژاپون و ترقیات صنایع و تجارتی بد بیضا فرمود و چنان ترقی محیر القولی از برکت نیات این شاهنشاه در ملت محبیه ژاپون در قلیل زمان بیدار گردید که می‌توان گفت در صنعت و تجارت و علوم امروزه ملت ژاپون از هیچ ملتی در مغرب زمین کم نیست. بدو این امپراطور بیدار مغز جوانان با استعداد ژاپون را برای تکمیل علوم و صنایع فوج فوج و گروه گروه به اروپا و امریکه سوق فرمود و نیز بسیاری از علما و فضلا ارباب فن و لیاقت اروپا و امریکه را بخدمات دولتی و مستشاری ادارات مستخدم گرفت و هر قدر متدرجاً ملت ژاپون تعلیم و تربیت حاصل نمودند جایگاه مستشاران خارجی را بر کردند (برخلاف ایران که در عرصه دوازده سال استخدام مستشاران بلژیکی نتوانسته ایم یک گمرکچی بجای یک ادنی بلژیکی معین نمائیم)

اساس تعلیمات ملکی را این امپراطور هوشیار به چانه عالی قرار داد. چنانچه تعلیمات بحری را از

انگلستان اتخاذ و اساس قشون بری خود را بروی آلمان و عدالت خانه خویش را بر وفق فرانسه قرار داد. و توسیع تعلیمات ملیه را از امریکه اتخاذ نمود. پس از جنگ با روس مصمم گردید که اساس مذهب ملت ژاپون را هم مستحکم نموده دیاتی ترقی برود برای ملت خویش اختیار نماید - ترقیات ژاپون در قلیل زمان عهد میکادو محیرترین ترقیات این عالم اعم از شرق و غرب شناخته شده و در این باب کتب ضخیمه به السنه مختلفه نگاشته آمده است. قبل از عهد میکادوی متوفی به اندازه ملت و دولت ژاپون ضعیف و کمزور و بی علم و بی استعداد بودید که هر دولت هر وقت میخواست بر او حمله نموده و مقاصد خویش را بشرق دست بوی می‌قبولانید. ولی در قلیل زمان عهد امپراطور موصوف ملت و دولت ژاپون جایگاه و استعدادی را کس نموند که بزرگترین دول غربیه یعنی روس را با منتهای فصاحت شکست عالی بخشوده. مفرور ترین سلاطین غرب را بمخضوع و خشوع خویش و استمدای معاهده و اتحاد با خود فرمود. بزرگترین حقی که این امپراطور منظم به شرقیان دارد این است که باطل فرمود قول جمیع فلاسفه و سیاسیون غرب را که در کتب خود با دلایل می‌نگاشتند که شرقین قابلیت ترقیات اهالی غرب را ندارند. در حقیقت امپراطور ژاپون از شکست روس اساس مشروطیت را در شرق منتشر ساخت و اول دولتی که بعد از ژاپون در شرق با بیداری مشروطیت نهاد ایران بود و از آن پس عثمانی و عاقبت چین را هم بجمهوریت رسانید و این سه مملکت همیشه در تهدید و فشار روس بودند و از خوف روس که سلطنت مستبده بوده و هست قدرت ترویج مشروطیت و جمهوریت در خود نمی‌دیدند. لذا باید گفت اعلیحضرت متسو هیتو میکادوی متوفی مروج آزادی در کلبه مشرق و بدر ژاپونیاوت و محسن حقیقی شرقیان بود. تاریخ نشان نمیدهد که هیچ پادشاهی محبوب تر از امپراطور متوفی ژاپون در ملت خود باشد در حقیقت اساس تعلیمات را اعلیحضرت میکادو در ملت خود بومن خواهی و دولت پرستی مستحکم فرمود. چنانچه در علالت این شاهنشاه منظم تمام تماشای خانهای ژاپون مسدود و رعایا مسایح در

خواهد شد که نیابت سلطنت و کابینه وزرای ایران نه تنها مورد ملامت واقع نتواند گردید بلکه منصفانه مسلکی که اختیار نموده و راهی که پیوده اند خیلی قان تمجید بلکه در تاریخ ایران جایگاهی عالی خواهند یافت. اعتراض معرضین این است که چرا کابینه وزرا در مقابل خواهشست روس و اولتیماتوم های دولتی سر تسلیم خم نمود و در موقع تبریز و گیلان و وقعه اسلام سوز خراسان قطع روابط و تعلق با روس نموده و رسماً از در جنگ بیرون نیامد و هیچ جلوه می دهند که این واقعات ایرانیان را مرعوب ساخته و سال های دراز عقب انداخت. بلکه می گویند استقلال ایران را منزلت آورد و همچو تصور می کنند که اگر دولت علم مخالفت برافراشته و ملت به مدافعه روس کمر می بست آواز همدردی و همراهی اروپا بلند شده ایرانیان از هر جهت مظهر و منصور میگردیدند آری اگر این تصورات داوای حقیقت بودی اعتراضات بر کابینه و نیابت سلطنت را ما هم صحه می نهادیم ولی بد بختانه وقتی که ملاحظه می شود هیچ يك از اعتراضات معرضین و ادله ایشان دارای يك حقیقت ثابتی نمی باشد. خوب است بدو يك نظر سرسری به اوضاع آن دوره ایران نموده که در چه حال بود. در آن موقع بواسطه قیام محمدعلی در ایران عناصر مرتجع کسب قوت نموده پای تخت را متزعزع می داشتند. از طرف دیگر مناقشات حزبی در مرکز و سایر نقاط به اندازه بالا گرفته بود که خود بخود نزدیک بود شیرازه استقلال مملکت را از هم بپاشند. از همه بالاتر مخالفتی که بین بختیاری و مجاهدین ارمی و غیره پیدا شده و نزدیک بود کار بجای نازک کشد تمام قوای دولت را که منحصر به آنها بود مطلق و بی کار ساخته بود. از طرف دیگر همه روزه پیروان محمد علی در داخله ایران کسب قوت نموده بازم آتش خام طمع را قصد حرکت طهران متحرک می ساختند. از يك جانب هم سالارالدوله عمال ضربی ایران را تصرف نموده پای تخت را تهدید میکرد. شیراز به آتش وضع ناگوار دوجار، خراسان آتش اوتجاج شعله ور، عربستان هم باطنش پیش از ظاهرش منقلب. در حقیقت دو ثلث ایران از قبضه دولت خارج. قشون روس دو قزوین در دروازه طهران برای ورود پای تخت موجود در عقب اندک بهانه بود در این صورت اگر دولت می خواست مقاومت با روس نماید با

دست گرفته در عهد خویش صمیمانه بدعا می سلامت و صحت آن شاهنشاه رطب اللسان بودند و محبوب القلوبی امیرانور میگذارد و همین بس که فرد فرد ژاپونیات در علالت امپراطور خود بشخصه مانند علیل یا بیماردار عزیز خود بود تا جائیکه یکی از شاه پرستان ژاپون از علالت امپراطور صبر نیاورده بخود کشی آغازید. ترقیات ژاپون بر عالمیان نمود که اگر پادشاهی متوق باشد يك ملت در کمال سرعت خود بخود برنماید ترقی نماید و بزرگترین اساس ترقی يك ملت و مملکت بروی تأمینات مملکته نهاده شده است.

امپراطور متوجهیتو از چند سال باین طرف کمال میل و توجه را بطرف اتحاد ملل شرقیه و سلاوین شرق داشت چنانچه کبسیون مخصوص بدربار ایران گسیل فرمود و يك هیئت بحریه به اسلامبول فرستاد ولی چون هنوز ما و برادران ما عثمانی بمنافع آجل پی نبرده و روابط عاجل از ژاپون را این قدرها متعبد بحال خود تصور نمی کردیم صرف نظر از دوستی و روابط با این دولت قویه شرق نمودیم. ولی علت عمده همانا موانع باطنی یعنی قوت روس بود که ایران و عثمانی را مانع از اتحاد و روابط با ژاپون بودی ما از طرف ملت نجیب خود کمال تأسف و تالم را از رحلت این امپراطور اعظم شرق اظهار داشته خویشتن را با ملت ماتم زده ژاپون همدرد می شناسیم چنانچه مسلمانان و ایرانیان مخصوصاً برای اظهار همدردی خودشان در رحلت این امپراطور اعظم در اداره جبل التین مجلس نموده و مواد تزیین و تسلیت و همدردی به فامیل امپراطوری بذریعه قونسل جنرال ژاپون تقدیم داشتند و امید می نمایم که ازین رویداد بین ملل اسلامیة ایران و عثمانی و ملت ژاپون روابط متحدانه و صمیمانه برقرار آمده آرزوهای دیرینه هواداران شرق برآید و تمنا می نمایم که در زمان امپراطور جدید مسلمانان ژاپون پیش از پیش بدرجه مساوات و ترقیات نایل آیند

یک نظر منصفانه  
(یا رد اعتراضات)

از هشت ماه به این طرف در غالب جرائد دیده می شود که اعتراضات شدید بر کابینه ایران بلکه نیابت سلطنت داده. به نظر سرسری همینکه در آن اعتراضات بنکریم تا درجه مورد تصدیق تواند شد ولی همینکه در حقیقت حال تعمق شود ملاحظه

ما ثابت می نماید که هیچ ملت ضعیف باظهار  
مظلومیت و محدودیهای زبان اقوام سازه کلاه نیک  
بخش بر سر نهاده است. بقای استقلال یک ملت  
هیچوقت از قوای ملیه تجاوز نتواند نمود، یعنی  
بصای دیگران بیای نه استاده است

حالا بیایم بر سر یک نکته دیگر که جی را  
عقیده است که مرگ با شرف ملی اشرف است به  
بقای بهذلت. این کلبه در موقع خود تا یک اندازه  
صحیح است. ولی با آنچه نیکاشته آمد مدلل گردید  
که ایرانیان هنوز موفق به تشکیل یک ملت متحد  
نشده بودند که بتوانند شرف استقلال را جلب  
کنند و با اوضاع صدساله ایران و جهالت عمومی  
ملت و خالی بودن خزانه و نداشتن اسلحه و قور  
خانه و عدم موجودی قشون رسمی و ملی و  
اختلافات عمومی و خشکی عام و خاص آیا اگر با  
دولتین از در ستیز در آمده بود امید کسب  
شرف و فتح و نصرت داشت؟ اگر گفته شود  
آری - قابل تصدیق عقلا نتواند بود، و هرگاه  
گفته آید نه، چطور چنین امر جاهلانه را از  
یک هیئت دولت توقع توان کرد؟

برخی که ایران را از اعراب مراکو و امثال آن  
بست تر تصور کرده و تهور آنان و سلامت روی اینرا  
دلیل گرفته باز هم سهو کرده است. چه هیچ قوم  
ضعیف بهتر از ترانسوالیان باخشم قوی نه جنگیدند  
و مرا و ثیان هم تا درجه استقامت کردند، نتیجه چه  
شد؟ آیا میتوان حال امروزه مراکو را با ایران  
قیاس کرد؟ از همه اینها که صرف نظر شود در ایران  
پیشرفت مقاصد روس و انگلیس امر تازه نبوده  
نهایت در دوره استبداد آنچه پیش می آمد ملت  
مطلع نبوده و بسکوت میگذشت و درین دوره  
آنچه واقع شده و می شود چون ملت مطلع است  
ببها و میگذرد، چندین وزراء و صدور اعظم های  
مارا در دوره استبداد گاهی روس و گاهی انگلیس  
عزل کردند، اگر یک مستشار خارجی را درین موقع  
بشار آنها خروج کرده باشیم نسبت بواقعات قدیمه  
چندان اهمیت ندارد.

وقتی که روس در شروط قرضه اولیه گنجینه  
که دولت ایران تا وقتی که از زیبار قرضه روس  
بیرون نیامده مجاز نیست از دولت دیگر قرض  
نیاید، صدا از احدی بیرون نیامد، ولی امروز  
همینکه دولتین تکلیف نمودند که در تعیین مستشارهای  
خارجی با ما مشوره کنند، مالی از بیاهو بر گردید

کدام قوت و بجه امیدواری از ملت متشنه میتوانست  
جلب فایده بخاید؟ اگر دولت در مقابل مطالبات روس  
تسلیم نمی شد روسیه بهر وسیله بود محمدعلی را بیای  
تخت می آورد و آنوقت آنچه میخواست از او میگرفت  
و در حقیقت یک حکومت بخارای دیگر تشکیل میداده  
با آن وضع اختلافات محسوس که احدی انکار نمیتواند  
کرد ممکن نبود تمام قوای قویه ملیه به مقابله با  
روس قیام کند و بر فرض یک طبقه یا یک حزب  
هم به مخالفت روسیان بر می خواست سایر طبقات  
و احزاب به عداوت حزبی با روس ساخته آت  
یک حزب را از بیاه بر میداشت، چنانچه دیده شد  
صد خان شجاع الدوله با اسم شاه برست وارد تبریز  
و دمار از روزگار احرار بر آورد

اگر از اینها هم صرف نظر شود ملاحظه باید نمود  
ملکاتی که بحال کابل در حال انقلاب بوده و بواسطه  
تبدیل حکومت و اصول حکمران طبعاً تولید یک  
اختلاف عظیمی در آنها شده عنصر قویه و بستگانشان  
که بر سر حکومت بوده اند طالب عود اساس  
قدیم و جماعتی بر خلاف آنها، و هیئت جامعه ملیه  
برخی طرفدار آنان و بعضی پرو خیالات اینان،  
چنین اختلاف نه چیزی است که در زمان قلیل  
یعنی در نعل حاضره مرتفع گردد، از این رو امکان  
نبود که ایرانیان را سریعاً بجانب اتحاد کامله سوق داده  
آن فوائد مطلوبه حاصل آید، چنانچه در این شش  
ساله اخیر به تجربه رسید که جماعتی از نفع  
پرستان قدیمه در هر مناقشه و اختلافات خارجی  
خوبستن را بخارجیان بسته اند

پس تصور اتحاد کامل در مقابل دولتین امروزه  
برای ایران مقرون بصحت نبود و اگر در این  
موقع دولت رسا از در ستیز و آویز با دولت روس  
بر می آمد نتیجه این میشد که عناصر مخالفت کار  
ملت با روسیان متحد شده یعنی آله پیشرفت مقاصد  
روس گردیده یکمرتبه اساس ملیت و استقلال سلطنت  
ایران را معدوم و ضعیف می نمود

آمدیم بر سر این عقیده که اگر دولت ایران  
با جماعت انگشت شمار ملتیان در مقابله با روس  
متحد شده بودند دبری نمیکذشت که همدردی اروپا  
و امریکا نقشه امروزه را واژگون می نمود. این هم  
اگر بتاریخ رجوع شود از تصورات باطله و خیالات  
حام است تا امروز هیچ قوم ضعیفی در مقابل قوی  
به همدردی های زبانی دیگران و اظهار مظلومیت و  
امثال آن کامیاب نگردیده - واقعات تونس - الجزیره  
مراکو - نزدیکتر برویم ترانسوال و فنلند و مصر بر

حال آنکه شرط قرضه زیاتر بر استقلال ایران  
بالا تر از شرط مستشاران خارجی بود . وقتیکه  
تمام نکات را ملاحظه کنیم نمی توانیم در  
خصوص مسلکی که دولت اختیار نمود اعضای  
کابینه را ملوم قرار دهیم معنی این سخن آن نیست  
که رجال کابینه مردمان با کله و با دیانت و وطن  
خواه بوده اند ، بلکه بدلائل حسی برخی از آنان  
غیر معتمد و نفع پرست و خود خواه مسلم اند ،  
ولی این امریکه پیش آمده بر وفق سیاست و عقل  
بوده ولو اینکه درین موضوع برخی از رجال ما  
مداخل های نامشروع هم کرده باشند

پس اگر کابینه وزا و نیابت سلطنت واجب  
الامانت باشند نه برای اختیار این مسلک سلم در مقابل  
روس بلکه درین مسلک واجب التمجید اند ولی در  
سرمه ها و عهد های دیگر بدو شب واجب  
الامانت هستند با این همه باز هم میگوئیم که یاس  
ملت ایرانیه بیجا و ملامتیکه ملل دیگر از ایرانیان  
میبایند غیر معقول است و ما هنوز ارکان استقلال  
ایران را بدو خلل میدایم و هنوز عقیده ما  
این است اگر همت کافه با سیاست در ایران بروی  
کار آید نه تنها در قلیل زمان شکستگیها مرمت  
تواند شد بلکه میتواند آبهای رفته را بجوی باز  
آرد قوت بکدولت که بضعف رو نمود و استقلال  
یک سلامت که رو باضعحال نهاد نه چیزی است  
که فوری بتوان اصلاح نمود با مردان کاری مرور  
زمان در کار دارد . ایرانیانراست که ازین و بعد  
می نمایند آدم براسی کار بیدارند و هر وقت  
همت کافه با سیاست در وزارت خنهای ایران تهیه  
سکردند یقین نمایند که آبهای رفته شان بجوی باز  
تواند آمد

آن را جز جهل اسلامیان و علم ساز عناصر ندیده  
باکمال بی سلامتی کر تعلیم ملت اسلامیه مند را بر  
بست با اینکه موانع عدیده در جلوداشت که عمده  
آب جهل ملت و مخالفت روحانین با اساس  
تعلیم جدید بود باز هم استقامت و وزیده مدرسه  
العلوم را به اساسی بسیار متین استوار داشت و  
چون پیشرفت این غرض جز به راهی خیالی حکومت  
ممکن نبود با کمال متانت بجهت توجه حکومت پرداخته  
فقط مدرسه العلوم را از تعلیمات بویچی مبرا قرار  
داده تا مورت تنویر حکام نگردد و با آن همه  
موانع در ابتدای این تاسیس حکومت هم مخالف نشود  
اگرچه در این مسلک مورد شهادت بسیاری از دامانیان  
واقع گردید ولی عقیده مرحوم سر سید احمد خان  
این نبود که ملت اسلامیه هند را یکدفعه از حیات  
بویچی محروم دارد بلکه فرضش این بود که مبدا تشبثات  
سیاسی سبب زوال ترقی مدرسه العلوم گردد و  
بجوی این نکته را دانسته بود که چون ملتی بزبور  
نیم آراسته آید بالتبع حیات پلتنیکی را دور خواهد  
نمود چه پلتنیک چیزی است که لازمه حیات هر انسان  
بلکه هر ملت که دارا نباشد واقف بر روز رعیتی  
خود هم نتواند گردید و دولت خود را هیچگونه  
تأید نتواند نمود و نه شرکت در امور سلطنت و کتک  
باصلاحات ملکی تواند داد چنانچه رموز دانایان  
سیاست را عقیده این است که اساس مشروعیت یک  
مملکت وقتی استحکام پذیرد که فرد فرد رعایا دخالت  
نامه در موضوعات پلتنیکی داشته باشند و اگر رعایا  
دارای چنین حیثیتی نباشند آب مملکت را قابل  
مشروطیت تصور نمی میکنند و پیشرفت امور  
مشروطیت در چنین مملکت ممکن نیست .

مرحوم سر سید احمد خان تمام توجه خود را  
در این امر مبذول میداشت که مدرسه العلوم علی گده  
را یک کلبه اسلامی و قومی قرار دهد . چنانچه  
با آنچه مخالفین تا زمان آن مرحوم مدرسه العلوم  
علی گده مدرسه قومی و اسلامی شناخته میشد  
و تا حیات سر سید اساس مدرسه العلوم بقسمی  
محکم گردید که بهترین مدارس ملیه هندوستان  
بشمار آمد - بعد از مرحوم سر سید احمد  
مرحوم نواب محسن الملک بیروی از مقاصد سر سید  
نمود و تا درجه که شایان بود مدرسه العلوم را

دارالعلوم اسلامی یا مدرسه العلوم علی گده

همینکه نظر به تاریخ تاسیس مدرسه العلوم  
اسلامی علی گده نایم برده های مختلف مشاهده  
خواهد شد که هر یک از آنها برای حیات ملی یا  
حیات قومی بالاضافه دارای کمال اهمیت است

مرحوم سر سید احمد خان که مدرسه العلوم  
را موسس حقیقی شناخته شده خیالاتی بس عالی و  
تفکراتی بسیار عمیق داشت یعنی وقتیکه نظر نمود  
به انحطاط مسلمانان هند و ترقیبات اقوام دیگر علت

دخالت حکومت محفوظ داشت و مدرسه العلوم  
لی گده مدرسه اسلامی هندوستان شناخته  
دواز اطراف واکاف مانند خلیج فارس و عرب  
بلوچستان و غیره شاگردان برای تحصیل در این  
مدرسه اسلامی میآمدند و خدماً خدمتیکه بدوات انگلیس  
بشد این بود که شاگردان این مدرسه نفوذ حکومت  
مگستانرا بنواحی خود نقل مینمودند. نواب وقارالملک  
به جانشین مرحوم نواب محسن الملک گردید بواسطه  
تقتضیات وقت و تناسب موقع پیش از پیشینیان خود  
رتبته مدرسه العلوم کوشیده و پایه آن بدرجه  
پایه شد که بالاشاق تسلیم نمودند که در کایه آسیا  
دارالعلوم علی گده بهر حیثیت ~~که~~ ملاحظه بشود  
تاز و بنظیر گردیده است

برخی از عدم دور اندیشی از ترقیات مدرسه  
علوم چنین تصور کردند که ممکن است رفته رفته  
از حرکت این دارالعلوم مسلمانان بخود آمده یعنی  
محقق خویش بر برده در مواد پلایکی با همسران خود  
یا ملت منود توام با دوش بدوش قدم زنند و نیز  
از ونجش و کدورت مسلمانان هند از انفصال تقسیم نکاله  
خوف آن میرفت که مسلمانان با ملت هند متفق شده  
درسیاسیات داخل شوند. این بود که سینه دارالانفون  
(یونیورسیتی) شدن مدرسه العلوم را در مسلمانان  
پیش انداخته و توجه اسلامیان را بدین صوب  
مطوف داشته و الحاق پیش از حیثیت و تروت  
خودشان ملت اسلامی هند در تکمیل یونیورسیتی  
بذل جهد و همت نمودند

همینکه گزنگوی یونیورسیتی اسلامی میان آمد  
قائدین هند که بی منافع یک دارالعلوم ملی بودند دامن  
همت برگرزده مصمم افتتاح هندو یونیورسیتی هم شدند  
و حالانکه انصافاً اگر ملاحظه شود امروز مدرسه  
ملیه هند مدرسه ~~که~~ قابلیت و حیثیت یونیورسیتی  
شدن را داشته باشد همانا مدرسه اسلامی علی گده  
است. و امروزه ملت هند اگر سعی شوند و جهد  
کوشش کنند بکن تا بسط سال دیگر بتوانند  
مدرسه به پایه مدرسه العلوم احداث نموده تا قابلیت  
یونیورسیتی شدن را داشته باشد

بجای اینکه حکومت هند بجواب خواستن  
هندو یونیورسیتی عدم حیثیت و قابلیت مدارس  
ملیه هند را بدهد در حقیقت زحمت اسلامیان

را که سی سال است در بنای مدرسه العلوم برسانه  
اند می خواهد به مدرسه دهد، یعنی ملاحظه عدم  
توسیع و خوفیکه از یونیورسیتی هندو داننگیر است  
مصمم گردیده ~~که~~ یونیورسیتی علی گده را هم  
محدود قرار دهد، و اگر فی الحقیقه یونیورسیتی علی گده  
چنانچه لاردرکرو وزیر هند فرموده محدود قرار یابد  
منافی را که خیرخواهان و ارباب عالی اسلامیه هند در  
یونیورسیتی شدن دارالعلوم مدنظر داشته میاوهند  
می شود، بلکه آن منافی را هم که ناکنوت  
مسلمانان از مدرسه العلوم علی گده حاصل نموده من  
بعد حاصل نتوانند نمود، زیرا قوانین اساسیه ایکه  
برای یونیورسیتی پیش شده دادن اختیارات کامله  
مدرسه العلوم علی گده بقبضه حکومت است و حال  
آنکه دارالعلوم های پنج گانه حکومت بدرجه کمال  
در هندوستان موجود اند، مدرسه العلوم علی گده که  
مزید محال اسلامیان شناخته شده محض این بود که  
اختیارات کامله آن درست هیئت حاکمه اسلامیان بود  
و همینکه با این (طابق نیوشن) قانون اساسی که اشاعه  
یافته یعنی فرمانفرمای هند اختیارات ویسو یعنی مافوق  
اختیارات هیئت منظمه را دارا باشد این دارالانفون  
هیچ فرقی با سایر دارالانفون ها که در قبضه حکومت  
است نخواهد ماند و نخواهم توانست گفت ~~که~~  
من بعد مدرسه العلوم علی گده دارالانفون اسلامی  
است، و اگر درست دقت شود با بودن دارالانفون  
های دیگر که از هر حیثیت کامل تر از دارالانفون  
علی گده است این دارالانفون منافع متصوره را  
به مسلمانان بتواند رسانید و خوف آنست که آنیکه  
وجه برای یونیورسیتی شدن دارالعلوم داده اند  
خیالات شان منصرف شده وجوه خویش را در  
این راه صرف نه نموده طاب نمایند،

اگرچه دوازدهم ماه جاری در موضوع کانسی نیوشن  
یونیورسیتی و بحث بر آن در لکنو مجامعی از هیئت  
منتظمه خواهد شد ولی با فرمایش لاردرکرو وزیر  
هند که دارالعلوم علی گده محدود خواهد بود و هیچ  
مدرسه در هندوستان الحاق به یونیورسیتی علی گده  
نخواهد گردید اند فائذی بصوم مسلمانان هند از یونیورسیتی  
شدن علی گده با آن کانسی نیوشن متصور نیست،  
علاوه برین چون حکومت هند به قایدین علم شده  
امروزه مسلمانان مانند نواب والا سرآغاخان و سر

و همقطاران ایشان برای راه نمان و هدایت مسلمانان  
 محتاج است و همینها دخیل یونیورسیتی شدن علیگده  
 گردیده اند يك دفعه قلوب اسلامیه هند از فاندین  
 موصوف منزجر و برگشته من بعد بهیچ گونه به هدایات  
 آنها راه نرفته بید نیست که در این مابوسی جاره  
 خود شان را منحصر به انفاق و ابتلاف با ملت  
 هند به بیند و در آن صورت اوضاع پانیک  
 هندوستان رنگ دیگر گیرد و مسلمانان که بهترین  
 سپر و خیر خواه صمیمی دولت انگلیس شناخته  
 شده با آن خوش نامی باقی نه ماند و همین نکات  
 سبب گردیده است که اولین شخص محرم اسلامی  
 و خادم حقیقی مسلمانان که محل اعتماد و اعتبار  
 کابینه اسلامیان هند بود یعنی نواب وقار الملک از عهده  
 سکرتری گری مدرسه العلوم مستعفی شده با شدت  
 طبعه مخالفت با کانتی تیوشن یونیورسیتی علی گده نموده  
 مسلمانان را بمحقوق خود شان آگاهانیده و با حال  
 درد انگیز مدرسه العلوم علی گده را وداع فرموده  
 اند. جدای ایشان از این دارالفنون اسلامی در  
 قلوب مسلمانان اندازه است که هر کس بخوبی از  
 هیجان امروزی مسلمانان احساس تواند کرد و کان  
 میبود که با فرمایش لاردر کربو و آن کانتی تیوشن  
 که اشاعه یافته یونیورسیتی علی گده يك نامی اولیه  
 خود را حاصل نماید

بر ارباب اضلاع پوشیده نیست که به هیچ  
 قاعده نمی توان حکم یونیورسیتی را يك مدرسه  
 مخصوص محدود داشت چه لفظ یونیورسیتی مشتق از  
 یونیورس است که بمعنی عالم و غیر محدود است  
 در زمانیکه می بینم اروپا و امریکه دوائر تعلیمیه را  
 روز بروز توسعه داده حتی در بسیاری از  
 یونیورسیتیها مردمان بر چیز خدمت نموده به ازای  
 آن تعلیم می یابند و هم روزه یونیورسیتیها دائره  
 خود را حتی در ممالک سائره توسعه میدهند نمی دانم  
 بجه زبان وزیرهند يك یونیورسیتی اسلامی را محدود  
 می فرماید و حالانکه تعلیم را هیچ گونه مدخلیتی بلا  
 واسطه با پلتیک نیست. اگر وزیرهند ملاحظه ملازمین  
 خود را می نماید لازم نیست که تعلیمات اسلامیه را  
 محدود قرار دهد بلکه بطریق اختصاص مانند تعلیمات  
 قشونی و غیره ملازمین خویش را بمدارس مخصوصه  
 میتواند سوق دهد ما هرگز پسند نمی نمانم که چنین

لکه بنام معارف خواهی حکومت هند وارد آید که  
 دخالت در تعلیمات عمومی و تربیت عالی طبیعی  
 رعایای خویش بدهد و مانند دولت روسیه مایل  
 نیست رعایای مستعمرات وی آزادانه تحت بیرق علم  
 در آیند و این نکته است که مسلک مدد سالة ممدوح  
 معارف یزوهی دولت انگلیس را تبدیل میدهد و  
 چون چشمها کشوده نمی توان هیچ گونه برده  
 به این مسئله پوشانید زیرا که قول یکی از دانایان  
 است که مشغول و نین ممکن ولی فهم را نمیتوان  
 بکسی تکلیف نمود

### نقل از روزنامه آفتاب

( منطبعة طهران )

مدیر و سر مدیر جریده سبک در پاریس با  
 آقای سردار بهادر ملاقات نموده عکس سردار بهادر  
 و فرم خان را در روزنامه کراور کرده و انترویو  
 طبع و نشر نموده است

( ایران بعد از مرگ فرم خان )

( اظهارات سردار بهادر )

رئیس معروف بختیاری سردار بهادر که فعلا  
 مشغول مسافرت اروپا و به پاریس آمده است بیانات  
 ذیل را به مدیر روزنامه ما در خصوص بهترین  
 رفیق شرفهای جنگی خود سردار فرم خان و  
 اوضاع کنونی ایران نموده

سردار بهادر پسر سردار اسعد که به ریاست  
 افواج مشروطه طهران را در ماه ژولیه ۱۹۰۹  
 فتح کرد و برادر زاده صمصام السلطنه رئیس الوزرای  
 ایران یکی از زیبا ترین جوانان دوره جدید ایران  
 است

قدوحایکه مشارایه در این مدت سه ساله با  
 رفیق و همقطار جنگهای خود فرم خان در شمال  
 ایران برای اجرای نفوذ و اقتدار دولت جدید  
 نموده است در ایران مشهور و ضرب المثل است

( مرگ فرم خان )

در ضمن صحبت از سردار بهادر سؤال نمودیم  
 که خبر مرگ فرم خان چگونه بشما رسید  
 جواب داد - میرزا یانس وکیل سابق اروانته  
 این مطلب را بمن تلگراف نمود و شما میدانید  
 مرگ فرم خان چقدر سخت و مؤثر برای من شد  
 خصوصیت فوق العاده با مشارایه داشتیم زیرا که

مشارالیه همیشه حاضر بود برای استقلال وطن خود را قربانی نماید ، در تمام جنگ هایکه باهم نموده ایم فعالیت و رشادت او را کاملاً دیده ام ، حقیقه يك جنگجوی رشید فوق العاده و يك سردار عالم بدقایق حربیه و منهور حیرت انگیزی بود

در مصاحرت این مدت روز بروز دوستی و محبت ما زیاد می شد و در نهایت صدق و راستی بهرین دوست واقعی و رفیق از دست من رفته است

حقیقه بخاطر دارید که بعد از خلع محمد علی میرزا در شمال غرب ایران اغتشاشات حکم فرما بود و دولت جدید فرم خان را با فدائیان و مجاهدین و مرا با بختباری های با وفا ورشید مأمور انتظامات آن صحنه نمود

بالآفاق دشمن را در زنجان مغلوب نموده و بطرف باغیان و کومستان قراچه داغ حمله نمودیم و بعد از هشت ماه محاربه با متمردین یکصد نفر از خوانین و رؤسای ایلات منمرده را دستگیر کرده باودیل و طهران آوردیم و این یکی از فتوحات ما بود ،

( ذمیان و اغتشاش ۱۹۱۱ )

پس از آن فتح بزرگ تفصیل را بیان نمائید؟ در جواب سردار بهادر خندیده و گشت البته انتظار ندارید که مثل يك نفر پیر مرد لاف زن یاوه سرا تمام جنگهای خود را حکایت کنم و اجازه دهید مختصری از تفصیل تابستان سنه قبل بشما شرح دم

محمد علی میرزا شاه مخلوع با ارسال دو طرف شمال اغتشاش بزرگی تحریک نمود رئیس اردوی اوسردار ارشد با قشون ترکمن و اردوی خود به پنج فرسخی طهران رسید فرم خان و سردار محتشم پسر عموی من که فعلاً وزیر جنگ است مسلح کشته با ابواب حبی خودشان بمقابله دشمن رفته بعد از چهار ساعت جنگ قشون باغیان را شکست داده رئیس آنها را دستگیر و محاکمه کرده در همان میدان جنگ تیرباران کردند

جندی بعد از آن برادر شله مخلوع سالارالدوله که قدری جنون و سناامت دارد با پانزده هزار نفر همدان را تصرف کرد بطرف طهران حرکت نمود

و تا هشتاد کیلومتری پایتخت هم رسید دو نفر عموی من سردار ظفر و سردار جنگ با هزار و پانصد نفر بختباری در جلو آنها بودند ما هم با فرم خان و سردار محتشم هزار و پانصد نفر بختباری دیگر بایشان ملحق شدیم باوجود آنکه عده ما بمراتب کمتر از قشون خصم بود جنگ نموده و آنها را مغلوب و منهدم نمودیم

( فتح آخر فرم خان )

زمستان و بهار هم تمام شد دشمنان دائمی ما مرتجعین مجدد دستجات بر ضد دولت و ملت تشکیل دادند . شاهزاده فرمانفرما با چند فوج برای دفع آنان اعزام شدند لیکن بواسطه زیادتی قشوق خصم و سختی عمل کاری از پیش رفت

فوری به فرم خان رجوع کردند و مشارالیه باآفاق برادر من ضیاءالسلطان و پسر عموی شهاب السلطه بطرف همدان عازم گردید ، جنگ سرگرفت و متمردین مجدداً در نهایت خواری و خفت مغلوب و فراری شدند

بدبختانه سردار نامی و فرم شجاع ما بواسطه يك گلوله مقتول گردید درحالیکه در صدد نصرت قلعه که در روی تپه بود برآمده بوده است

لیکن از قرار معلوم مشارالیه کار خود را کرده و قبل از کشته شدن قصاص خون خود را از باغیان کاملاً نموده بود

( سؤال از سردار بهادر )

شما چه خیال دارید ؟

( ج ) - بعد ازین چند سال زحمت و جنگ برای من لازم بود جندی راحت تمام و لازم نیست شرح دم که چرا باریس را برای راحتی اختیار کرده ام

چونکه اسم فرانسه برای ما ایرانیان خیلی محبوبیت دارد زیرا که متدرجاً حس آزادی از فرانسه هر تمام عالم و میان اهل ایران سرایت نموده و غالباً شما از ایرانیان بهمان نوازی کرده اید . محبوبیت شما نزد ما خیلی است و محتمل است زبان فرانسه در مداری ما پیش ازین شیوع پیدا نماید

هنگان نمی گنم فعلاً در ایران بمن محتاج باشند اینقدر ایافت در خود نمی بینم لیکن به سمت سرایق آزادی و فدائی استقلال وطن به اولین فرمان در صف سربازان ایران حاضر خواهم گردید

## کشف غطاء از قاطبه ایرانیان

در بدو سلطنت ناصرالدین شاه اگرچه استبداد بر ایران بشدت جاری بود لکن باز اشخاصی بودند که غیرت وطن پرستی و دیانت و دولتخواهی و خون ابرایت در جسد آنها بود هرگز واضی نمی شدند بک وجهی از خاک ایرانرا خارجه تصرف نمایند حتی شاهزادگان آن عصر بک مردی و مردانگی را دارا بودند - مثلا حشمة الملك امیر قزاقان و حاکم سیستان بود . افغانه بقدری از او خائف بودند که هرگز بک قدم از حد خرد تجاوز نمی کردند . گویا اسمت مامور بزرگ همسایه جنوب برای تجدید حدود سیستان با افغان مامور شد - همین بس که در کتاب مسافرت خود مذمت زیاد از حشمة الملك مرحوم رحمة الله علیه نموده و آخر مسئله را تاریک و لایحل گذاردند . همچنین رجال دولت همه اعجاب روزگار بودند مثل مرحوم میرزا قی خان امیر کبیر . مرحوم معتمدالدوله شاهزاده فرهاد میرزا ، مرحوم حسام السامنه - مرحوم مرادالدوله در کرمانشاهان ، مرحوم محمد اسمعیل خان در کرمان - همچنین سایر امراء خراسان که تمام اشخاص کافی وطن پرست و امنیت در نقاط ماموریت آنها قائم هر کدام تروت خودرا خرج آبادی می نمودند و تجارت و ترقی میدادند - همان علومی که در آن عصر متداول بود رواج میدادند - اینک کنز الحساب - شرح خلاصه الحساب از تصنیفات مرحوم معتمدالدوله موجود است . علمای عصر نیز تمام صاحب دیانت و تصنیف از حکمت و فقه و اصول و تاریخ و رجال و غیره محتاج به ذکر نیست - تا بیک نفر در تمام علوم ادبیات و ریاضی و اصول و فقه و منطق و معانی بیان و حساب و رجال و علم کلام و سایر علوم لوازم اجتهاد کاملا مهارت تامه بهم نپرساید و امتحانات وافییه نمیداد و داراییه قوه قدسیه نه بود اجازه بیان شخص داده نمی شد - اغلب صورت اجازه که از علمای بزرگوار کسب میفرمودند در کتابهای خود درج و تشریح میدادند - مرحوم شیخ احمد احتیانی و حاجی سید کاظم رشتی که از حکمای اخیساری و نام بردار بودند و اختلاقات مشرب و مسلک بهم رسانیدند مع ذلک صورت اجازه که از علمای بزرگوار کسب فرموده بودند در کتابهای

خود ثبت فرموده که اکنون بطبع رسیده - لکن متدرجا بواسطه اینکه رجال بزرگ از میان رفته جی که ابتدا معلوم نیست نام پدر وجد آنها چه بوده بسبب رواجی بازار رشوه مصدر امور دولت ومات شده باب علم را بر روی اهالی مسدود نموده فقط بک مدرسه دارالتنون در مرکز از مؤسسات میرزا قی خان باقی ماند آنها با چه فضایح مربوط و مشهور شده بود . امثال وجوانان نیز که فرنگستان رفته اولاً درجه علم آنها فقط تحصیل زبان و تعبیر آداب زشت با بذهب زدن غافل از این که مذهب کایه باعث نظام عالم است ، اگر تمام اقوام حتی بت برستان پای بند مذهب نباشند نظام عالم بهم میخورد چه هیچکس بدیگری اطمینان ندارد ، این مطالب از بدیهیات است از ن طرف چون علمای عصر ما که حافظ دین و قوانین مذهب هستند قوه مجریه آنها سلاطین و امنای دولت باید باشند - علمای عاقل بواسطه وضع زمان تمام انرژی اختیار نموده ملائها که شرف خود را بخدمتی حکام و عمال دیده پشت پا بزمخت زیاد و تحصیل علوم معادیه و غیره زده اگر از ملاتذ اجازة خواستند جواب داد که من خود مجازم لهذا با حکام و امرا و عمال هم دست شده بازار رشوه و احکام غیر ما از لاله رواج یافت ، عوام الناس که روسای ملت را مشاهده کردند عقائد آنها ست شده مذامب جدید و عقائد تازه رواج یافته انکار معجزات ائمه را نموده ایرادات کشیشان را اشتهار داده نفاق و دروغ و دو روئی و سایر صنات رذیله در ملت جاهل ایران نسیبت نابویه پیدا کرد و بواسطه عدم اطلاع از اوضاع زمان و عدم وقوف موافق عصر عقائد شخصیه در اغلب این ملت جاهل عامی پیدا شد ، در صورتیکه ممکن بود در این هنگام سال ملت ایران به ترقیست گوناگون نایل شده صاحب کار خانهای صنایع گشته صاحب یک کرور قشون منظم شده از همسایگان ترقی آنها زیاد تر شده عموم ملت تربیت یافته حب وطن و غیرت و تهذیب و تمدن آموخته خودرا از احتیاج خارجه نجات داده بلکه عموم اهالی اروپا را بخود محتاج کرده ده کرور ملت ایران را در تحت اسلحه در آورده قشون ملی مهیا ساخته همه ساله هزار کرور از مخازن چندین هزار ساله از شکم این خا



پاك خارج کرده نروت خود را با علی درجه رسانیده برخلاف از شدت ظلم و مملکت فروشی عده نفوس تنصیف شده روسای ایلات ایلاترا بسرقت معتاد نموده مالیاتی که با شکنجه از رعیت اخذ نموده خاشاک دولت صرف طو و لعب و عیاشی و رقاصی در فرنگستان شد

بقول سلیمان نظیف پیک در شماره ۴۰ اخبار جبل التین ملیانها القاب در ایران پیدا شده که از تعداد و احصاء آنها انسان عاجز است

هی آیت الله . حجة الاسلام ، شریبندار ، معین التریه . مؤید الاسلام ، عماد الاسلام . نفة الاسلام ، رئیس الاسلام . آنچه از اشتقات مصدر بوده اخذ نموده این حامیان اسلام و حامیان دولت خوب سی کردند دولت شش هزار ساله ایران را بر باد دادند و اسلام را ذلیل کردند، عجب این است که هنوز اغراض محس نجس شخصی را ول نمیکند و قطر ششم و ریش دراز و شال بزرگ را علامت مسلمان و حقیقت اسلام و حقیقت دین و مذهب میدانند، یکی از جهال میگوید . تمام اهالی اروپا خدام ما هستند که همه ما بحتاج ما را ساخته می آورند ما خوریده می پوشیم و میخوریم و میغیریم چه لازم ما شین بیاوریم کار خانه بسازیم حالا که استقلال دولت ایران را تمام کردند وجد می نمایند میگویند هرچه زودتر بهر آسوده خواهیم شد ، یکی از آنها از دولت شاهی تمجید و از قول نمایند آنها روایت می کرد که میگوید دولت من فورا حدود خود را زود کشت و پایمال کرد حالا در نهایت امنیت هم ما آسوده هم رعیت و مردم آسوده شدند

اما دولت جنوب باید سالها تخم تفاق در مردم جنوب افشاندند متدرجا مثل افانته یکدیگر را بکشند تا عموم روسای ایلات و بزرگان تمام شده دو نهایت میل آرزوی او را به پذیرند . شاهزادگان این عصر مثل رکن الدوله میباشد که عزم اقتدار خود را نسبت بجمعی الواد بی دین ظاهر ساخته که خارجه یا در حرم حرم امام نامن گذارند، بی عدم کفایت این شخص در کرمان نیز جنگ شیخی و بالاسری را ایجاد نموده بود حاصل آنکه با صد هزار القاب ملی از حسام الفنا کرین تا فلان التریه و صد هزار امین التجار

و معین التجار و ملیانها احتشام الدوله و مصمص الدوله و فلان السلطنه و بهان الملک حتی حیوانات ایران نیز دارای القاب شده و این همه صاحبان القاب مانند مکروب و با و طاعون در خون مادر وطن داخل شده تا او را هلاک ابدی نموده گروهی استبداد طلب شده عمر و عور خود را بفلک رسانیده شرم فمه مشروطه طلب نام خود را گذارده از روی جهالت اختلافات حزبی را جنگ حیدری تعقی قرار دادند . ایلات که ما آنها را بشتی بان و مان خود میدانستیم در این شش ساله نیز دزدی از آنها چیزی دیده نشده مذهب آنها دزدی است، حاصل آنکه اهالی ایران خوب امتحان جهالت خود را داده برادران خود را در خارجه سر افکنده کردند از یک طرف عموم علما و دلاب در عراق عرب جمع شده که ایلات را بر سر غیبت آورند نفاق را تارک شوند . از یک طرف ایلات بدزدی و راه زنی مشغول . ممدودی از حجج اسلام که واقف بمواقف عصر بودند و فهمیدند علاج درد ایران بلکه اسلام مجلس شورای ملی است و اتحاد قاده اهالی اسلام ، فتوی بر وجوب دادند و بالاخره از ضمه جهالت ملت و عدم پای بندی بدین و حرکات ملانها و روسای جاهل دولت و غارت ایلات و عشائر از غصه فحشه کردند . ایران بلکه اسلام را این مردم جاهل نادان دلیل کردند، تعجب است که خارجه در سرحدات مشغول حکمران است با آن فضاخ که قلم از ذکر آنها شرم دارد .

در عنوان شماره ۴۰ نکارنده می نویسد افق ایران باز دارد از کدر صاف می شود ، کدام ایران ، چه افق، کانه این رجال با دانش ایران برنس بسارک ها ایران را از تصرف اجانب نجات داده؟ چه افق، چه صافی، ایران تقسیم شد رفت حیف است که انسان این قسم اشتباه کلری بر خود یا چهار نفر جاهل نماید، در صورتیکه می نویسد هفت کله با سیاست امروز در ایران نیست دیگر از هنجه ملتی چه توقع باید داشت، در هیچ جای دنیا هیچ قوم مذهب را جزو امور سیاسی نکرده و هنگام انتخاب اغراض شخصی بخرج نداده، اعضا انجمن ها با عدم حقوق صاحب نروت نشده . حالا هرچه دموکرات است بای میخوانند و بر حسب